

Approaches Governing The Political Freedoms Of Civil Servants In Iran With an  
Emphasis On Freedom Of Expression and Assembly

Roya Jowkar<sup>1</sup>

Received: 24 April 2025

Mostafa Seraji (Corresponding Author)<sup>2</sup>

Reception: 4 September 2025

Ahmad Ranjbar<sup>3</sup>

Abstract

This study aims to analyze and describe the legal approaches governing the political freedoms of government employees in Iran , with a focus on two key aspects : freedom of expression and freedom of assembly. Government employees , as the main members of the executive apparatus , enjoy fundamental civil rights. However , due to their sensitive occupational position as implementers of public policies , the exercise of these freedoms is subject to legal and practical restrictions . Using a descriptive – analytical method , this research examines the precise legal status of these freedoms in the Iranian legal system and analyzes their scope and framework in domestic laws — such as the Constitution , employment laws , and regulations — as well as in international human rights instruments , including the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights . The findings indicate that political freedoms of government employees in Iran are conditional upon maintaining administrative order , observing public interest , and adhering to Islamic principles . Despite the recognition of these rights in Articles 24 and 26 of the Constitution , broad restrictions are imposed based on employment regulations and practical practices , making it difficult to distinguish between legitimate and illegitimate political behavior . One of the key findings of this study is that , due to the lack of public and transparent access to judicial decisions in this area , the analysis of judicial practice and dispute settlement mechanisms faces serious challenges . This leads to legal uncertainty and the absence of a unified judicial approach in dealing with cases related to the political freedoms of government employees . Ultimately , the study emphasizes the necessity of establishing a balance between the fundamental rights of employees and the neutrality and efficiency of the administrative system. It also highlights the importance of systematically compiling and publishing judicial decisions as a crucial step toward developing a clear and transparent legal framework in this regard.

Keywords: Political Freedom , Civil Servants , Freedom of Expression , Freedom of Assembly , Administrative Law.

---

<sup>1</sup>Department of Law, B.A.C., Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

<sup>2</sup>Department of Law, B.A.C., Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال چهارم، شماره پنجم، ویژه نامه ۱۴۰۴، صص ۲۳۵-۱۹۴

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.544661.1331>

رهیافت های حاکم بر آزادی های سیاسی کارکنان دولت در ایران با تاکید بر آزادی بیان و اجتماع

رویا جوکار<sup>۱</sup>

مصطفی سراجی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

احمد رنجبر<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل و توصیف رهیافت های حقوقی حاکم بر آزادی های سیاسی کارکنان دولت در ایران، با تمرکز بر دو مصداق کلیدی، یعنی آزادی بیان و اجتماع، انجام شده است. کارکنان دولت، به عنوان اعضای اصلی دستگاه اجرایی، از حقوق بنیادین شهروندی برخوردارند، اما موقعیت شغلی حساس آنان به عنوان مجریان سیاست های عمومی، برخورداری از این آزادی ها را با محدودیت های قانونی و عملی روبه رو می کند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی دقیق جایگاه حقوقی این آزادی ها در نظام حقوقی ایران پرداخته و حدود و چهارچوب های آن را در قوانین داخلی «مانند قانون اساسی، قوانین استخدامی و مقررات» و اسناد بین المللی حقوق بشر «از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» مورد مقایسه و تحلیل قرار می دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد که آزادی های سیاسی کارکنان دولت در نظام حقوقی ایران مشروط به عدم اختلال در نظم اداری، رعایت مصلحت عمومی و تبعیت از موازین اسلامی است. علی رغم به رسمیت شناخته شدن این حقوق در اصل ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی، محدودیت های گسترده ای بر مبنای قوانین و مقررات استخدامی و رویه های عملی اعمال می شود که تفکیک میان رفتار سیاسی مشروع و غیر مشروع را دشوار می سازد. یکی از یافته های کلیدی و برجسته این پژوهش، آن است که به دلیل عدم دسترسی عمومی و شفاف به آرای قضایی در این حوزه، تحلیل رویه عملی دادگاه ها و سازو کارهای حل اختلاف با دشواری های جدی مواجه است. این امر به سردرگمی حقوقی و عدم وجود رویه یکپارچه در مواجهه با پرونده های مرتبط با آزادی های سیاسی کارکنان دولت منجر شده است. در نهایت، این پژوهش بر لزوم ایجاد تعادل میان حقوق اساسی کارکنان و حفظ بی طرفی و کارآمدی نظام اداری تاکید دارد و ضرورت تدوین و ثبت نظام مند آرای قضایی را به عنوان یک گام کلیدی برای توسعه چهارچوب حقوقی شفاف در این زمینه آشکار می سازد.

واژگان کلیدی: آزادی سیاسی، آزادی بیان، آزادی اجتماع، کارکنان دولت، حقوق اداری

<sup>۱</sup>گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

roya.jowkar@iaa.ac.ir

<sup>۲</sup>گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

mostafaseraji@iaa.ac.ir

<sup>۳</sup>گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

ranjbar.ahd@iaa.ac.ir

آزادی سیاسی یکی از اصول کلیدی در حقوق عمومی و مفهومی بنیادین در علوم سیاسی است که به افراد حق مشارکت آزادانه در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی را اعطا می‌کند. این مفهوم بنیادین مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها از جمله آزادی بیان، آزادی تشکیل اجتماعات، آزادی آکادمیک، آزادی انجمن و... را در بر می‌گیرد. در نظام‌های مردم‌سالار، این آزادی‌ها به شهروندان امکان می‌دهند تا در فرآیندهای سیاسی نقش آفرینی کرده و در تعیین سرنوشت جامعه خود مشارکت فعال داشته باشند. با این حال، اعمال این حقوق برای تمامی افراد جامعه به یک شکل نیست و در نظام‌های حقوقی مختلف، به ویژه در مورد کارکنان دولت، با قیود و محدودیت‌هایی همراه است. کارکنان دولت، با توجه به جایگاه شغلی خود به عنوان اعضای ساختار حاکمیتی، دارای حقوق شهروندی هستند، اما ایفای این حقوق نباید به اختلال در نظم اداری یا تضعیف مصالح عمومی منجر شود. این پژوهش با هدف تحلیل و توصیف رهیافت‌های حقوقی حاکم بر آزادی‌های سیاسی کارکنان دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر دو مصداق کلیدی، یعنی آزادی بیان و آزادی اجتماع تدوین شده است. در این راستا، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بررسی منابع قانون داخلی «مانند قانون اساسی، قوانین استخدامی و مقررات و...» و همچنین اسناد بین‌المللی حقوق بشر به مطالعه و مقایسه جایگاه این آزادی‌ها پرداخته می‌شود. این تحقیق ابتدا به مبانی نظری و انواع آزادی‌های سیاسی پرداخته، سپس جایگاه حقوقی کارکنان دولت و تفاوت‌های انواع استخدام مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، وضعیت آزادی بیان و آزادی اجتماع در قوانین اساسی و مقررات داخلی ایران و همچنین در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌گیرد تا حدود و ثغور این آزادی‌ها مشخص شود.

## ۲- آزادی‌های سیاسی و مصداقی آن

آزادی سیاسی<sup>۱</sup> یکی از اصول کلیدی در حقوق عمومی و مفهومی بنیادین در علوم سیاسی به شمار می‌رود که به افراد حق مشارکت آزادانه در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی را اعطا می‌کند. این آزادی به معنای امکان دخالت قانونی و مشروع افراد در تعیین سرنوشت خود و جامعه، بدون مداخله ناعادلانه یا سرکوب از سوی دولت یا نهادهای قدرت است. آزادی سیاسی حقی است که به افراد اجازه می‌دهد نظرات و عقاید خود را آزادانه بیان کنند، مشروط بر این که به حقوق و آزادی دیگران آسیب نرسانند. این مفهوم تنها در نظام‌هایی معنا می‌یابد که در آن‌ها حقوق و آزادی‌های فردی به رسمیت شناخته

<sup>۱</sup>. Political Freedom

شده باشد و محدودیت‌ها صرفاً در چهارچوب قانونی و برای حفظ منافع عمومی اعمال شوند. (استوارت میل، ۱۴۰۲: ۲۳). این حق یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بشر محسوب می‌شود که مجموعه‌ای از آزادی‌ها و حقوق را شامل می‌گردد. در نظام‌های دموکراتیک<sup>۲</sup>، آزادی سیاسی به شهروندان امکان می‌دهد در فرآیند‌های سیاسی نقش آفرینی کرده و در تعیین سرنوشت جامعه خود مشارکت فعال داشته باشند. (جهان بزرگی، ۱۳۹۳: ۳۰). منتسکیو<sup>۳</sup> آزادی سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «آزادی سیاسی به این معنا نیست که هرکس هرچه بخواهد انجام دهد، بلکه در جامعه‌ای که قانون حاکم است، آزادی معنای خاصی دارد. آزادی یعنی این که افراد آن چه را باید بخواهند، خواسته و انجام دهند و از آنچه موظف به انجام آن نیستند، مجبور نباشند پیروی کنند. همچنین، باید به تفاوت میان آزادی و استقلال توجه داشت، آزادی به معنای انجام دادن کارهایی است که قانون مجاز می‌داند و از انجام کارهایی که قانون منع کرده، مصون ماندن است. اگر فردی اعمال خلاف قانون انجام دهد، دیگر آزادی معنا نخواهد داشت» (منتسکیو، ۱۴۰۰: ۲۹۴). او معتقد است برای کشف آزادی سیاسی در یک کشور، نیازی به تلاش زیاد نیست، آزادی همچون آئینه‌ای شفاف است که اصول حکومت در آن منعکس می‌شود. وی درباره انگلستان می‌گوید: «در این کشور، طرز حکومت به گونه‌ای است که یک فرد از فرد دیگر بیم ندارد. در همه جا نیز باید حکومت به همین شکل باشد تا آزادی سیاسی تحقق یابد.» (همان: ۲۹۶-۲۹۵). منتسکیو همچنین بر اهمیت امنیت به عنوان رکن اساسی آزادی سیاسی تأکید دارد. او می‌گوید: آزادی سیاسی یعنی احساس امنیت در جامعه و این امنیت زمانی محقق می‌شود که قوانین جزایی به شکل صحیح تدوین شوند. اگر فرد در جامعه احساس کند که حقوقش محفوظ است. می‌توان گفت آزادی سیاسی وجود دارد. از دیدگاه او، قوانین باید با روحیات و فرهنگ عمومی جامعه سازگار باشد. وی می‌افزاید: «قانون‌گذار باید رسوم و مقرراتی وضع کند که با سلیقه و فرهنگ عمومی هماهنگی داشته باشد. در این صورت، مردم با میل و رغبت از قوانین پیروی خواهند کرد.» (همان: ۳۹۹). در ادبیات حقوقی، آزادی‌های سیاسی شامل موارد متعددی است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

#### ۱-۲- آزادی بیان<sup>۴</sup>

وقتی فردی به قدرت عقل و فهم خود ایمان داشته باشد و عقل و فهم هر انسانی برای خود محترم و ارزشمند تلقی شود، باید این حق برای تک‌تک افراد جامعه به رسمیت

<sup>۲</sup>. Democratic System

<sup>۳</sup>. Montesquieu (1689-1755)

<sup>۴</sup>. Freedom of Expression

شناخته شود که فارغ از هرگونه ترس، ارعاب، ترغیب، تحریک یا تهدید، بتوانند یک فکر یا عقیده را انتخاب کنند، در زندگی خود به آن پایبند باشند و حتی در جهت انتشار، توجیه و عمومیت بخشیدن به آن تلاش کنند و از این طریق، حقوق و آزادی‌های آنها محترم شمرده شود، که در اسناد متعدد حقوق بشر تحت عنوان «حق آزادی بیان» به آن اشاره شده است. (عبدالهیان، ۱۳۹۴: ۸) آزادی بیان یکی از حقوق اساسی بشر محسوب می‌شود. آزادی بیان پیش‌نیاز ضروری برای تحقق یک جامعه دموکراتیک است. شاید بتوان گفت که این حق، اساسی‌ترین حق بشر محسوب می‌شود. (کریمی، قنبری، ۱۴۰۰: ۲۰۱) این حق از جمله حقوقی است که در نصوص مختلف بین‌المللی «ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰» مورد تأکید قرار گرفته است. هدف از این حق، بیان آزادانه عقاید، اندیشه‌ها و تفکرات فرد و انتقال این موارد به دیگران است. این احساس طبیعی در همه انسان‌ها وجود دارد که بتوانند بدون دغدغه خاصی آنچه را که می‌خواهند نزد اشخاص دیگر مطرح کنند. این اندیشه‌ها می‌تواند مشتمل بر موضوعات مرتبط با یک شخص نیز باشد. (بابایی، آزاد بخت، ۱۴۰۳: ۳۹۲)

## ۲-۲- آزادی تشکیل اجتماعات و تجمعات<sup>۵</sup>

حق بر تشکیل آزادانه اجتماع مسالمت‌آمیز «از این پس آزادی اجتماع‌ها» از شاخه‌های حق مشارکت سیاسی است که وصفی سیاسی - مدنی دارد. مشارکت سیاسی از بنیان‌های ضروری جوامع دموکراتیک و جلوه‌ای از حق انسان بر تعیین سرنوشت خویش است. آزادی اجتماع با بسیاری از حقوق فردی ارتباطی ناگسسته‌ای داشته است. (دوفار، ۱۴۰۰: ۳۶) این حق به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است و همچنین این نوع از آزادی سیاسی به عنوان یکی از حقوق مسلم بشر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۶</sup> نیز مورد بررسی و تأکید ویژه قرار گرفته است. (موسوی میرکلانی، امین حسینی، ۱۴۰۱: ۳۳۶)

## ۲-۳- آزادی آکادمیک<sup>۷</sup>

آزادی آکادمیک مفهومی چندوجهی است. در معنای فردی، آزادی آکادمیک در وهله اول یک آزادی منفی است و در پی تدارک یک سپر دفاعی در برابر دخالت مراجع، نهادها و گروه‌های بیرونی فشار و قدرت به منظور حمایت از فعالیت‌هایی است که استادان و دانشجویان نهادهای آموزش عالی در مقام آموزش، پژوهش و یادگیری انجام می‌دهند.

<sup>5</sup>.Freedom of Assembly And Association

<sup>6</sup>.International Covenant On Civil And Political Rights

<sup>10</sup>.Freedom of the Academic

تأکید اصلی بر آزادی و استقلال اعضای هیأت علمی دانشگاه‌هاست. بدین ترتیب آزادی آکادمیک فردی را می‌توان اینگونه تعریف کرد:

آزادی استادان و پژوهشگران نهادهای آموزش عالی در آموزش، پژوهش و بحث در مسائل و موضوعات علمی دانشگاهی و خارج دانشگاهی و بیان نتایج و یافته‌هایشان، بدون دخالت مقامات و مراجع بیرونی یا نهادهای اداری و مدیریتی محل استخدام، مگر آنکه فعالیت آن‌ها به تشخیص افراد صلاحیت دار، فاقد ربط و ارزش علمی یا معیار اخلاق حرفه‌ای شناخته شود. آزادی آکادمیک همچنین می‌تواند به عنوان یک آزادی مثبت در نظر گرفته شود، یعنی متضمن مسئولیت نهادهای آموزش عالی در تدارک زمینه و تسهیلات لازم برای فعالیت‌های آکادمیک. بنابراین، آزادی آکادمیک تنها آزادی از دخالت نیست، بلکه شامل آزادی برای فعالیت نیز هست. بحث درباره آزادی آکادمیک همواره ناظر به تنش میان فرد و نهاد، آزادی و مسئولیت و نیز آزادی حرفه‌ای و آزادی عمومی است. آزادی آکادمیک به مثابه حق، اعم از منفی یا مثبت، ناظر به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی استادان است و مادام که آن‌ها به فعالیت حرفه‌ای و رعایت موازین علمی پایبند باشند، معتبر است. بر خلاف آزادی بیان که یک حق شخصی است، آزادی آکادمیک یک حق ویژه است که به جایگاه استاد یا پژوهشگر به عنوان عضو یک جامعه علمی تعلق دارد. این حق همچنین معنایی نهادی نیز دارد و شامل استقلال دانشگاه از اقتدار سیاسی و اداری و نیز مشارکت دانشگاهیان در اداره دانشگاه می‌شود. در نتیجه، آزادی آکادمیک مؤید آن است که استادان دانشگاه‌ها از امتیازاتی برخوردارند که سایر مستخدمان عمومی خصوصی از آن بی‌بهره‌اند. آن‌ها می‌توانند نحوه تدریس و تحقیق خود را تعیین کنند، از مدیریت دانشگاه انتقاد نمایند و در اداره آن مشارکت داشته باشند، البته این آزادی‌ها باید توجیه داشته باشند وگرنه تبعیض‌آمیز یا ناروا جلوه خواهند کرد. (رنجبر، ۱۴۰۱: ۹۸-۱۰۱)

#### ۴-۲- آزادی انجمن<sup>۸</sup>

آزادی انجمن یکی از آزادی‌های اساسی ذکر شده در حقوق بشر و شهروندی و زیربنای فلسفی دموکراسی<sup>۹</sup> است که ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گسترده و تأثیرگذار آن و مبانی ارزشی آن در نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته است. به لحاظ مفهومی آزادی انجمن عبارت است از اینکه افراد طی توافقی بتوانند به صورت آزادانه و آگاهانه با داشتن علائق و آرمان‌های مشترک دور هم گرد آمده و متعهد می

<sup>11</sup>.Freedom of the Association

<sup>12</sup>.Democracy

شوند، برای نیل به اهداف و مواضع مشترک مستمر خود مبارزه و تبلیغ نمایند. آزادی انجمن یک حق بشری است. این حق به طور گسترده در سطح بین المللی، منطقه ای و ملی در زمره حقوق سیاسی و مدنی به رسمیت شناخته شده است. و جزء چهار هدف راهبردی سازمان بین المللی کار محسوب می شود. (برازنده قره شیران، ۱۳۹۱: ۱۰)

#### ۲-۵- آزادی مشارکت در تعیین سرنوشت<sup>۱۰</sup>

حق بر تعیین سرنوشت یکی از اصول اساسی حقوق بین الملل است که بر مبنای آن مردم ساکن در یک سرزمین حق تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را دارند. (پناهی، ۱۴۰۳: ۱۸۷) این حق دروازه سایر حقوق بشری نام گرفته و اهمیت ویژه ای در حقوق بین الملل بشر دارد. همچنین این حق در حقوق بین الملل به «حق مردم به عنوان یک گروه، نسبت به تعیین آزادانه آینده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود» تعریف شده است. حق تعیین سرنوشت ذیل نسل سوم حقوق بشر قرار می گیرد. و تعهد جامعه بین الملل به حق تعیین سرنوشت با امضای منشور ملل متحد به منصفه ظهور رسید. (عبداللهی، حسینی، ۱۴۰۲: ۱۴۰-۱۳۹) این حق همچنین یکی از اصول بنیادین و اساسی حقوق بین الملل است که بر اساس آن همه افراد و دولت ها می توانند امور خود را در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مدیریت و رهبری کنند. این حق در حقوق بین الملل معاصر نیز به عنوان یکی از حقوق مسلم همه انسان ها شناخته شده است. (توسلی نائینی، شیرانی، ۱۳۹۵: ۷۰)

#### ۲-۶- آزادی دسترسی به اطلاعات<sup>۱۱</sup>

یکی از جلوه های مهم آزادی در حقوق اداری، آزادی دسترسی به اطلاعات و اسناد است. در نظام بین الملل دسترسی به اطلاعات به عنوان یک اصل خدشه ناپذیر پذیرفته شده است و در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱۲</sup> علاوه بر به رسمیت شناختن حق آزادی بیان و عقیده، هرکس آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده ها را با تمام وسایل ممکن و بدن تعصب به ملاحظاتی فردی دارد. (خسروی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۹). بهره مندی از دسترسی به اطلاعات در زمره نسل اول حقوق بشر قرار دارند. امروزه آزادی و حق دسترسی به اطلاعات از حقوقی است که به تحقق مفهوم شهروندی کمک می

<sup>13</sup>.FreedomTo Participate In Self-Determination

<sup>14</sup>.The Right Of Access To Information

<sup>15</sup>.Article 19 Of Universal Declaration Of Human Rights; Everyone has the right to freedom of opinion and expression; this right includes freedom to hold opinions without interference and to seek, receive and impart information and ideas through any media and regardless of frontiers

کند. (یعقوبی و همکاران، ۱۴۰۳: ۴۹۸). آزادی حق دسترسی به اطلاعات، در مقابل انحصار اطلاعات و ناشی از اندیشه مردم سالاری و مشارکت سیاسی مردم در جامعه است. و به منظور ایجاد شفافیت در اعمال دولت و ارتقاء مشارکت شهروندان در امر حاکمیت، «آزادی یا حق دسترسی به اطلاعات» در مجامع بین المللی و اسناد حقوق بشری مورد پذیرش قرار گرفته است. (حسینی، گروسی، ۱۳۹۹: ۱۷۵) در مجموع، آزادی های سیاسی، بستر حقوقی و اخلاقی برای کنشگری فعال شهروندان، به ویژه کارکنان دولت را فراهم می آورد. اما اعمال این حقوق در نظام های مختلف، متناسب با ساختار حقوقی و سیاسی، با قیود و محدودیت هایی همراه است که تحلیل آن ها ضرورت دارد.

### ۳- وضعیت آزادی های سیاسی کارکنان دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

کارکنان دولت، همانند سایر شهروندان، از حقوق اساسی برخوردارند، اما موقعیت شغلی آنان به عنوان مجریان سیاست های عمومی و اعضای ساختار حاکمیتی، موجب می شود که برخورداری آنان از آزادی های سیاسی با محدودیت هایی همراه باشد. بررسی وضعیت این آزادی ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مستلزم تحلیل دو مولفه اصلی است: نخست: جایگاه حقوقی کارکنان و دوم: حدود و چارچوب های آزادی سیاسی ایشان.

#### ۳-۱- تعریف و وضعیت حقوقی کارکنان دولت

بند الف ماده یک قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵، استخدام دولتی را به معنای پذیرفتن شخص به خدمت دولتی در یکی از وزارتخانه ها، شرکت ها یا مؤسسات دولتی تعریف می کند. بند ب همین ماده نیز خدمت دولتی را به کاری تبدیل کرده است که مستخدم به موجب حکم رسمی<sup>۱۳</sup> موظف به انجام آن میگردد. بنابراین، طبق آن قانون، هر شخصی که به خدمت در یکی از وزارتخانه ها، شرکت ها یا مؤسسات دولتی پذیرفته شود، کارمند دولت محسوب می شود. با در نظر گرفتن تعریفی که قانون استخدام کشوری از مؤسسات دولتی ارائه کرده، اگر دولت را صرفاً به معنای قوه مجریه محدود نکنیم و آن را در معنای گسترده تری در نظر بگیریم، می توان چنین برداشت کرد که هر فردی که در یکی از نهادهای وابسته به دولت - فارغ از عنوان آن مانند وزارتخانه ها، شرکت ها و مؤسسات دولتی یا نهادهایی که تحت نظارت رهبری هستند نظیر نیروهای مسلح - مشغول به کار باشد، به عنوان کارمند دولت شناخته می شود. اعم از این که مشمول قانون

<sup>۱۳</sup> طبق ماده یک ق.ا.ک: حکم رسمی عبارت است از دستور کتبی مقامات صلاحیت دار

وزارتخانه ها و شرکت ها یا مؤسسات دولتی در صدور قوانین و مقررات مربوطه است.

استخدام كشوري يا ديگر مقررات استخدامي خاص باشد. قانون مديريت خدمات كشوري ۱۳۸۶ به جاي كلمه مستخدم از اصطلاح كارمند<sup>۱۴</sup> استفاده كرده كه در ادبيات اداري ايران اصطلاح رايجی است بر اساس ماده ۷ اين قانون، «كارمند دستگاه اجرائی» به كسی اطلاق می شود كه با رعایت ضوابط و مقررات مربوط، به موجب حكم يا قرارداد از سوی مقام صلاحیت دار، در یکی از دستگاه های اجرائی به كار گرفته می شود. از آنجا كه ماده ۵ همین قانون تعریف گسترده ای از «دستگاه اجرائی» ارائه می دهد، می توان نتیجه گرفت كه این اصطلاح، دامنه ی وسیعی از نهادها و سازمان ها را در بر می گیرد. و شامل موسسات دولتی<sup>۱۵</sup> و غیردولتی<sup>۱۶</sup> هم می شود می توان گفت هر كسی كه به موجب حكم يا قرارداد به خدمت یکی از دستگاه های حكومتي جمهوری اسلامی پذیرفته شود كارمند محسوب می گردد. اعم از اینکه دستگاه اجرائی مذکور جزء نهادهای دولت مرکزی يا جزء نهادهای غیرمركز مانند شهرداری ها و شوراها و سایر موسسات عمومی باشد. و به نوعی می توان گفت كارمند، طبق قانون مديريت خدمات كشوري، به فردی گفته می شود كه به خدمت يك شخص حقوقی حقوق عمومی «در ايران» پذیرفته شده باشد. (امامی ، استوارسنگری ، ۱۴۰۳: ۲۱۱-۲۱۰)

### ۲-۳- ماهیت حقوقی استخدام

در مورد ماهیت حقوقی استخدام، دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی از حقوقدانان، استخدام را از منظر حقوق خصوصی نوعی قرارداد الحاقی می دانند. در این نوع قراردادها، مفاد و شرایط توسط یکی از طرفین - كه در اینجا معمولاً «دولت» است - از پیش تعیین شده و تنظیم می گردد، و طرف دیگر - یعنی كارمند يا استخدام شونده - ناگزیر است بدون امکان مذاكره يا تغییر در مفاد قرارداد، آن را بپذیرد. این نوع قراردادها بیشتر در

### <sup>17</sup>Employee

<sup>۱۵</sup> طبق ماده ۲ ق.م.خ.ك : موسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است كه موجب قانون ایجاد شده يا می شود و با داشتن استقلال حقوقی بخشی از وظایف و اموری را كه بر عهده یکی از قوای سه گانه و سایر مراجع قانونی باشد انجام می دهد. كلیه سازمانهایی كه در قانون اساسی نام برده شده است در حكم موسسه دولتی شناخته می شود.

<sup>۱۶</sup> طبق ماده ۳ ق.م.خ.ك : موسسه يا نهاد عمومی غیردولتی واحد سازمانی مشخصی است كه دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده يا می شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تامین گردد و عهده دار وظایف و خدماتی است كه جنبه عمومی دارد.

شرایطی دیده می‌شود که عرضه کالا یا خدمات به شکل انحصاری انجام می‌شود؛ جایی که یکی از طرفین ناچار است به چارچوب و نظام از پیش تعیین شده‌ای بپیوندد و توافق به معنای سنتی آن - یعنی از طریق مذاکره و تفاهم متقابل - شکل نمی‌گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۹) برخی دیگر از صاحب‌نظران، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص ماهیت استخدام ارائه کرده‌اند. گروهی از آنان، استخدام را تابع نظامی یکپارچه از «حقوق خصوصی و حقوق عمومی» می‌دانند، در حالی که عده‌ای دیگر به دوگانگی نظام حقوقی استخدام باور دارند. بر اساس دیدگاه دوم، استخدام افرادی که وظایف اجرایی و تصدی‌گری را بر عهده دارند، مشمول قواعد حقوق خصوصی است، در حالی که کسانی که در جایگاه اعمال حاکمیت قرار دارند، تابع مقررات حقوق عمومی هستند. این گروه از حقوق‌دانان، ضمن بررسی و نقد دیدگاه‌های موجود، نظر قطعی و نهایی ارائه نکرده‌اند، اما به این نکته اشاره کرده‌اند که استخدام‌شدگان به شکل «رسمی، رسمی آزمایشی یا رسمی قطعی» تحت شمول قوانین و مقررات استخدامی قرار دارند. در مقابل، افرادی که به شکل «پیمانی» یا از طریق «خرید خدمت» با دولت همکاری می‌کنند، رابطه‌ای مبتنی بر قرارداد با دولت دارند. با این حال، در این نوع روابط، قرارداد یا پیمان ماهیتی صوری دارد و از نظر ساختار و محتوا، شباهت زیادی با قراردادهای پیش‌بینی شده در قانون مدنی دارد. (ابوالحمد، ۱۳۸۸: ۷۶) برخی دیگر بر این باورند که در بحث روابط استخدامی و حقوق، لازم نیست رابطه کاری بین دولت و کارمند را در یکی از این قالب‌ها قرار دهیم و بگوییم که مثلاً قرارداد یا قرارداد کار است. اما اگر لازم است آن را به یکی از این قالب‌ها تشبیه کنیم، باید بگوییم که استخدام دولتی بیشتر شبیه قرارداد است. اما نظر نهایی آنها این است که استخدام دولتی در ابتدا تابع اراده شخص و پذیرش دولت است. از این نظر دارای ویژگی‌هایی است که هر قرارداد دوجانبه در آغاز انعقاد خود دارد، اما رابطه کاری که به وجود می‌آید نوعی رابطه حقوق و تعهدات متقابل است که ماهیت آن تابع ترتیبات قانونی آن زمان است. حقوق ناشی از این قرارداد از نوع حقوق اجتماعی است و تعهدات متقابل آن نیز دارای ویژگی‌های یکسانی است و در نتیجه این امور استخدامی دولتی تبدیل به قرارداد اجتماعی می‌شود. (وطن خواه، ۱۳۸۲: ۹) در خصوص آرای مذکور، شایان ذکر است که اولاً در اینکه بتوان همه اعمال حقوقی را در قالب سنتی حقوق خصوصی یعنی قرارداد یا ابقاع قرارداد، تردید جدی وجود دارد. و حتی در حقوق خصوصی نیز نهادهای حقوقی وجود دارند، که نمی‌توان آنها را در یکی از دو قالب مذکور قرار داد. ثانیاً آرای وجود دارد که ماهیت استخدام را عقد یا شبیه تر به عقد می‌دانند، که البته در نوع قرار داد نیز اختلاف نظر وجود دارد که آیا عقد الحاقی است یا خیر. زیرا حتی اگر استخدام را نوعی عقد الحاقی بدانیم در عقد یا قرارداد رابطه حقوقی طرفین آن تابع شرایط و ضوابط قرارداد یا توافقی است که در روز اول بین طرفین منعقد

شده است. در این نوع قرارداد اگرچه یک طرف «معمولاً نقش قوی تر» در تعیین شرایط و ضوابط قرارداد ندارد، اما در هر صورت حتی طرفی هم که شرایط قرارداد را مشخص کرده تابع شرایط آن است و نمی تواند آن را یک جانبه تغییر دهد، در حالی که در استخدام چنین نیست و شرایط استخدام ممکن است توسط قانونگذار و یا نهاد ذی صلاح تغییر کند. بنابراین ضوابط و شرایط قرارداد تا پایان رابطه حقوقی بین دو طرف باقی نمی ماند، بنابراین استخدام یک موقعیت حقوقی خاص قانونی است که شرایط و آثار آن توسط قانونگذار تعیین می شود و اراده افراد در تعیین و تغییر آنها تأثیری ندارد. (امامی، استوار سنگری، ۱۴۰۳: ۲۱۸-۲۱۶)

### ۳-۳- انواع مستخدمین دولت

مستخدم رسمی<sup>۱۷</sup> فردی است که به موجب حکم رسمی در یکی از وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی برای تصدی یکی از پست سازمانی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری استخدام شده باشد. برای احراز این جایگاه، لازم است که فرد در یکی از پست‌های ثابت سازمانی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی مشغول باشد و این اشتغال ماهیتی دائمی داشته باشد، نه موقت. طبق بند «الف» ماده ۴۸ لایحه مدیریت خدمات دولتی، استخدام رسمی صرفاً برای تصدی مشاغل حاکمیتی امکان‌پذیر است. در مقابل، مستخدم پیمانی<sup>۱۸</sup> به فردی اطلاق می‌شود که براساس یک قرارداد موقت و برای مدت مشخص به کار گرفته شده باشد. بر اساس تبصره ماده ۴۸ لایحه مدیریت خدمات دولتی «۱۳۸۵»، استخدام پیمانی برای پست‌های سازمانی مجاز شناخته شده و این مستخدمین به جز در زمینه مدت قرارداد، از حقوق و تعهدات مشابهی نسبت به مستخدمین رسمی برخوردارند. با این حال، در گذشته مطابق ماده ۶ قانون استخدام کشوری، مستخدمین پیمانی به عنوان نیروهای ثابت محسوب نمی‌شدند و مشمول مقررات خاص قانون استخدام کشوری نبودند به همین دلیل، از برخی حقوق و مزایای مربوط به بازنشستگی و خروج از خدمت نیز بی‌بهره بودند. مدت قرارداد این نوع استخدام معمولاً یک سال تعیین می‌شود، اما برای برخی پست‌های ثابت سازمانی تخصصی و پست‌های مشمول تبصره ۲ ماده ۷ قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی، این مدت حداکثر تا ۱۰ سال قابل تمدید است. روند جذب این افراد از طریق آزمون و گزینش تحت نظارت هیأت مرکزی گزینش وزارتخانه‌ها یا دستگاه‌های دولتی انجام می‌شود. مهم‌ترین تفاوت بین مستخدم رسمی و پیمانی در ثبات شغلی آنهاست. مستخدمین رسمی، هسته اصلی نیروی انسانی دولت را تشکیل داده و کادر ثابت سازمان‌ها محسوب می‌شوند. در مقابل، استخدام پیمانی عمدتاً

<sup>21</sup>. Official Employee

<sup>22</sup>. Contract Employee

به پست‌های موقت اختصاص دارد. علاوه بر این دو نوع استخدام، در دستگاه‌های دولتی دسته دیگری از مستخدمین نیز با عناوینی نظیر خرید خدمت و روزمزد فعالیت دارند. این نوع استخدام‌ها بیشتر در پاسخ به نیازهای موقتی و کوتاه‌مدت سازمان‌ها انجام می‌شود. مستخدمین خرید خدمتی در برابر پرداخت مبلغی مشخص برای ارائه خدمات به کار گرفته می‌شوند. این افراد در چارچوب قوانین استخدامی دولت قرار نمی‌گیرند و از حقوق و مزایای مستخدمین رسمی بهره‌مند نیستند. تفاوت کلیدی این نوع استخدام با استخدام پیمانی در این است که مستخدم پیمانی برای مدت معین «اغلب یک‌ساله» مشغول به کار می‌شود و تا پایان این مدت نمی‌توان قرارداد او را فسخ کرد، در حالی که مستخدم خرید خدمتی هیچگونه تضمین شغلی ندارد و سازمان می‌تواند در هر زمان، بدون تعهد خاصی، به همکاری با او پایان دهد. مقررات مالی سازمان‌ها نحوه استفاده از این نیروها را مشخص می‌کند. مستخدمین روزمزد نیز به‌طور موقت و برای یک یا چند روز در دستگاه‌های اجرایی مشغول به کار می‌شوند. رابطه استخدامی این افراد، ماهیتی قراردادی داشته و تابع اصول حقوق عمومی است. (اصغری، ۱۴۰۱: ۲۸-۲۷)

#### ۴-۳- پیشینه محدودیت‌های سیاسی کارمندان دولت در ایران

در ایران، قبل از انقلاب و استقرار سلطنت مشروطه، مناصب کشوری اغلب خرید و فروش می‌شد و یک کارمند دولت عنوان کارمند دولت را نداشت، بلکه به عنوان رئیس دولت شناخته می‌شد. تنها پس از پیروزی سلطنت مشروطیه، قوانین و مقرراتی برای مناصب دولتی وضع شد، مفهوم نوع استخدام در ایران توسعه یافت و مقررات کم و بیش دقیقی در مورد وظایف و حقوق صادر شد. یک کارمند دولت، در هر صورت، عضوی از جامعه است و از حقوق مدنی خود برخوردار است. با این حال از آنجایی که او نیز یک کارمند دولت - کشور است، اعمال این حقوق نمی‌تواند در خدمت اهداف و منافع شخصی یا تضعیف ساختارهای اداری و سیاسی کشور باشد. در این صورت، کارمند دولت طبق قوانین کشور به دلیل اخلاف در نظم عمومی و نظام سیاسی حاکم تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. (ابوالحمد، ۱۳۸۸: ۴۸۸)

امروزه نیز، از یک سو، کارکنان دولت به عنوان اعضای جامعه، دارای حقوق شهروندی از جمله آزادی بیان و مشارکت سیاسی اند، اما از سوی دیگر، ایفای این حقوق نباید موجب اخلاف در نظم اداری و امنیت سازمانی گردد. به عبارت دیگر، آنجا که استفاده از حقوق سیاسی منجر به تضییع مصالح عمومی یا تزلزل در نظام اداری شود، قانون‌گذار می‌تواند در حدود مشخص، محدودیت‌هایی اعمال کند.

#### ۵-۳- رابطه کارمند دولت با قدرت سیاسی

کارمندان دولت همچون سایر شهروندان، بخشی از جامعه محسوب می‌شوند و با اقبال و گروه‌های گوناگون در تعامل و ارتباط هستند. بر پایه آموزش‌ها و سطح آگاهی قابل توجهی که دارند، اغلب مورد توجه و جذب احزاب و تشکل‌های سیاسی قرار می‌گیرند. گاهی نیز به دلیل ماهیت و جایگاه شغلی خود، ظرفیت بالایی برای اثرگذاری در مبارزات سیاسی و تدوین برنامه‌های اجتماعی دارند. بسیاری از کشورها کارمندان خود را ملزم به مشارکت در سیاست قدرت حاکم و پذیرش دیدگاه‌های سیاست رسمی می‌کنند. «در برخی از کشورها، کشور به عنوان یک واقعیت ذهنی و انتزاعی پذیرفته شده است و با اجرا و احترام به قوانین ملی و کشوری، کارمندان می‌توانند به یک حزب یا گروه سیاسی بپیوندند و از وابستگی خود در اداره دفاع کنند.» در کشورهای که انطباق اداری شدید و سخت‌گیرانه حاکم است، کارمندان بدون چون و چرا از دستورات مقامات مافوق پیروی می‌کنند و اجرای این دستورات غالباً با سرعت و گاه با تندی همراه است. در چنین ساختاری، ابتکار عمل از سوی کارمند کاهش یافته و مسئولیت شخصی او محدود می‌شود. «زیرا قدرت سیاسی انتظار دارد کارمند صرفاً مجری بی‌قید و شرط سیاست‌هایش باشد. به این ترتیب، با تبدیل کارمند به یک ابزار و واسطه سیاسی، موضوع پیوند او با دولت و حاکمیت عملاً حل شده تلقی می‌گردد.» در کشورهایی که از آزادی و دموکراسی نسبی برخوردارند، رابطه میان کارمند و قدرت سیاسی ماهیتی متفاوت دارد، اگرچه کارمند موظف است در امور اداری و روزمره از مقررات و دستورات بالادستان پیروی کند، اما سرنوشت شغلی و اداری او تحت تاثیر تمایلات شخصی مدیران قرار ندارد. وجود قوانین حمایتی مانع از آن می‌شود که مقامات بتوانند به سادگی او را از کار برکنار کنند. «در چنین جوامعی، قدرت سیاسی در تعامل با کارکنان خود گاهی با چالش‌هایی نظیر اعتصاب یا توقف کار مواجه می‌شود، امری که در نظام‌های استبدادی، به دلیل اعمال انضباط آهنین و اطاعت بی‌چون و چرا، دست کم به صورت آشکار مشاهده نمی‌گردد.» (همان منبع، ۱۳۸۸: ۴۸۹-۴۸۷)

۴- آزادی بیان کارکنان دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران  
کارکنان دولت، به عنوان شهروندان<sup>۱۹</sup> یک کشور، از حقوق و آزادی‌های سیاسی برخوردار هستند یکی از مهمترین حقوق سیاسی کارکنان دولت، حق آزادی بیان در تمام مسائل، منجمله مسائل و موضوعات سیاسی است. این آزادی به این معناست که شخص در مقام بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود آزاد است. منظور از بیان نیز، هر طریقه‌ای است که انسان‌ها به وسیله آن، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود را به دیگران منتقل می‌کنند، خواه این دیدگاه و اندیشه، یک دیدگاه و اندیشه سیاسی، اجتماعی و... باشد. (زمانی و

همکاران ، ۱۴۰۰: ۱۴۵-۱۴۴). حق آزادی بیان ، حقی است که یک جامعه دموکراتیک به همه شهروندان خود اعطا می کند تا بتوانند دیدگاه ها و افکار خود را بدون ترس یا هزینه ای بیان کنند. این حق قابل اعتماد نخواهد بود مگر آن که در قانون اساسی جامعه تضمین شده باشد . آزادی بیان روشی و ابزار مهم در جست و جوی حقیقت است و یکی از عناصر اساسی و بنیادین برای تحقق و حفظ دموکراسی به شمار می آید .(فرج زاده طارانی ، ۱۴۰۰ : ۱۰۸) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان به رسمیت شناخته شده است و شامل کارکنان دولت نیز می شود . با این حال ، این آزادی دارای حدود و قیودی است که با توجه به ویژگی های نظام حقوقی ایران و ماهیت وظایف کارکنان دولت ، به طور خاص قابل بررسی است.

#### ۱-۴-جایگاه آزادی بیان در حقوق اساسی ایران

پایه ها و حدود آزادی بیان در حقوق ملی در قانون اساسی به تفصیل بیان شده است. این قانون بر هنجارها و مقررات اسلامی ، مصالح عمومی و رویه های پسندیده به عنوان مبنای آزادی بیان تاکید کرده و اهانت به مقدسات را ممنوع می کند . اصل یکصد و هفتاد و پنجم پیش از بازنگری تصریح می کرد که آزادی انتشار و تبلیغ باید مطابق با معیارهای اسلامی باشد . در رسانه های جمعی یعنی «رادیو ، تلویزیون» آزادی انتشار و تبلیغ طبق باید با رعایت معیارهای اسلامی تضمین گردد. استانداردهای اسلامی به عنوان مبنای تمامی قوانین و مقررات در نظر گرفته می شوند و در حوزه آزادی بیان نیز نباید نادیده گرفته شوند. بر اساس قانون اساسی ، محدود کردن آزادی بیان در تضاد با تعالیم اسلامی و حقوق عمومی است. نشریات و مطبوعات ، به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای آزادی بیان ، ملزم به رعایت این محدودیت ها هستند. مهمترین اصول مرتبط با آزادی بیان ، اصول بیست و سوم ، بیست و چهارم ، شصت و نه ، یکصد و شصت و هشتم می باشد.(همان ، ۱۴۰۰: ۱۱۱-۱۱۲۲)

طبق اصل بیست و سوم قانون اساسی «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» این اصل مبنای حقوقی حق آزادی بیان و قوانین ملی جمهوری اسلامی ایران و برگرفته از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین ماده ۱۹ میثاق مدنی ، سیاسی ، اجتماعی است. آزادی بیان «اقتضای ذات نوع انسان است .چون فصل ممیز انسان از سایر موجودات قوه ناطقه وی است و قوه ناطقه ، فقط زمانی فرصت رشد و بالندگی می یابد که بتواند آزادانه به هر سو تحقیق و تفحص کند و از سوی دیگر نمی توان جلوی ورود افکار مختلف را در ذهن گرفت و همچنین هیچ عقیده ای را نمی توان تا ظهور خارجی نیافته است شناسایی کرد و نیز پر واضح است که شخصیت منحصر به فرد هر شخصی از مجموعه افکار و عقاید و اخلاق و

رفتار وی تشکیل شده است . « . بنابراین نمی توان یک الگوی فکری و شخصیتی ساخت و همه هویت و شخصیت و افکار و عقاید افراد را مطابق آن ساخت و از سوی دیگر نیز لازمه اختیارات و مسئولیت و عقاب و پاداش انسان نیز اقتضا می کند که فرد بتواند آزادانه هرگونه که می خواهد بیندیشد. (تمنده رو، ۱۳۸۶: ۱) همچنین بر اساس اصل بیست و چهارم قانون اساسی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. این اصل از دو قسمت تشکیل شده است،

الف- مبحث مربوط به آزادی بیان

ب- مبحث مربوط به ممنوعیت آزادی بیان که خود شامل دو بخش است.

اول: مبانی اسلام در واقع همان اصول دین «توحید، معاد و...»

است که هرکس به آن اعتقاد داشته باشد مسلمان است، بنابراین با این موضوع باید به گونه ای برخورد شود که بر جمعیت مسلمان افزوده شود و نه اینکه سبب تنگ تر شدن حلقه و کاهش تعداد آنان شود.

دوم: مبانی حقوق عمومی نیز شامل موارد قدرت عمومی<sup>۲۰</sup>، مصلحت عمومی<sup>۲۱</sup>، اخلاق حسنه<sup>۲۲</sup> و... است که اخلال در هرکدام از آنها ممکن است منجر به بحران در جامعه شود.

« (غلامی مقدم، ۱۳۸۶: ۵) اصل شصت و نهم قانون اساسی نیز مربوط به علنی بودن مذاکرات مجلس می باشد که امکان علنی بودن آن را به وسیله درج در روزنامه رسمی و پخش از طریق رسانه های گروهی اعلام کرده است و با توجه به اینکه آزادی بیان، از یک سو مستلزم آن است که هیچ کس در بیان افکار خود با اجبار محدود نشود، و از سوی دیگر، بر حق جمعی و مشترک برای دریافت اطلاعات و دسترسی به افکار دیگران دلالت دارد. بر این اساس می توان گفت که یکی از اصول آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات این موضوع است که مذاکرات جلسه های نهادهای حکومت باید علنی باشد. (همان، ۱۳۸۶: ۱)

اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی نیز در خصوص رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی به صورت علنی است که با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد و نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند. «اصل ۱۶۸» اساسا جرائم مطبوعاتی ممکن است یا سیاسی باشند یا غیر سیاسی، جرائم غیر سیاسی نیز ممکن است علیه اشخاص حقیقی یا

<sup>24</sup>.State Power

<sup>25</sup>.Public Interest

<sup>26</sup>.Public Morality

حقوقی انجام گیرد یا شامل افشای اسرار و مسائل امنیتی و مخل حقوق عمومی شود، ولی جرائم سیاسی شامل:

۱- تبلیغ علیه نظام سیاسی موجود .

۲- تحریک و تشویق به سرنگونی نظام سیاسی حاکم و مبارزه علیه آن.

۳- ایراد تهمت و افترا علیه مقامات سیاسی. (فرج زاده طارانی، ۱۴۰۰، ۱۱۳)

علی رغم تلاش‌های گسترده برای گردآوری و بهره‌گیری از نمونه‌های آرای قضایی مرتبط با آزادی بیان در حوزه کارکنان دولت، بررسی منابع معتبر و قابل استناد نشان داد که دسترسی به چنین آرای در رویه قضایی کشور با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه است. نتایج جست‌وجوی انجام‌شده بیانگر آن است که شواهد و آرای قضایی قابل استناد، به ویژه در چهارچوب رویه عملی مراجع قضایی مرتبط با این موضوع، یا اساساً در دسترس نبوده و یا به صورت مدون و منتشرشده در منابع معتبر موجود نمی‌باشد. این وضعیت موجب گردید که در فرآیند تحقیق، امکان بهره‌گیری مؤثر از داده‌های مبتنی بر رویه قضایی فراهم نشود و تحلیل‌های انجام شده عمدتاً بر مبنای منابع نظری و مقررات قانونی موجود استوار گردد. بدین ترتیب، ضرورت توسعه، ثبت و انتشار نظام مند آرای قضایی در این حوزه بیش‌ازپیش آشکار می‌گردد.

۲-۴- جایگاه آزادی بیان در اسناد بین‌المللی

۱-۲-۴- منشور سازمان ملل متحد<sup>۲۳</sup>

سندی است که اهداف، سازماندهی و روش‌های کاری سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن را تعیین می‌کند. این سند اساس منشور ملل متحد است. بنابراین مفاد این منشور بر اهمیت همکاری میان کشوری برای حل مسائل بین‌المللی دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشر دوستانه و نیز برای گسترش و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه افراد، بدون هرگونه تبعیض بر پایه نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب، تأکید شده است. طبق ماده ۶۸ منشور<sup>۲۴</sup> نیز، ترویج حقوق بشر از وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی است و شورای اقتصادی، اجتماعی به همین منظور کمیسیون حقوق بشر را تأسیس نموده است (همان، ۱۴۰۰، ۱۲۱)

۲-۲-۴- اعلامیه جهانی حقوق بشر

<sup>26</sup> Charter Of The United Nations

<sup>27</sup> . Article 68-United Nations Charter: The Economic and Social Council Shall Set Up commissions in economic and social fields and for the promotion of human rights, and such other commissions as may be required for the performance of its functions.

اعلامیه شامل سی ماده است که دیدگاه سازمان ملل متحد را درباره حقوق بشر بیان می کند. مفاد این اعلامیه، حقوق اساسی، مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را که همه انسان ها در هر کشور باید از آن برخوردار باشند، تعیین کرده است. حق آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۲۵</sup> که مهمترین سند بین المللی و اولین دستاورد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به شمار می رود، تصریح شده است. این ماده مقرر میدارد: «هرکسی حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات، افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظیات مرزی آزاد باشد». (کاظمی فروشانی، اکبری، ۱۳۹۶: ۷۲-۷۱)

### ۳-۲-۴- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که به عنوان دومین سند مهم جهانی در حوزه حقوق بشر شناخته می شود، در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این میثاق شامل یک مقدمه، شش بخش و پنجاه و سه ماده است و از دسامبر ۱۹۷۶ اجرای آن الزامی گردیده است. یکی از مهم ترین معاهدات بین المللی و الزام آور در زمینه حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دارای ۲۷ ماده است که با جزئیات بیشتر و دقت خاص نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، انواع حقوق و آزادی ها را تشریح و تعریف نموده و تعهدات مطلق و صریحی بر عهده دول عضو جهت احترام و تضمین حقوق مزبور برای همه افراد در قلمرو آنها و تحت صلاحیت آنها گذاشته است. بر این اساس دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت خود بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشا ملی یا اجتماعی ثروت و یا سایر وضعیت ها محترم شمرده و تضمین کنند. بنابراین، ایران به عنوان عضوی از این میثاق، موظف به رعایت کامل مفاد آن است. علاوه بر این، کشورهای عضو این میثاق موظفند مجموعه ای از اقدامات مثبت و ایجابی را برای تحقق کامل حقوق مورد حمایت میثاق انجام دهند. بنابراین، کافی نیست که یک کشور اعلام کند که در اعمال این حق مانعی ایجاد نکرده یا دخالتی نکرده است. بلکه موظف است با وضع قوانین و مقررات لازم در این زمینه و با ایجاد و تقویت یک نظام قضایی با کیفیت مبتنی بر اصول دموکراسی و شایسته سالاری، زمینه های تحقق این حق و فراهم کردن مبانی لازم برای تحقق حقوق

<sup>28</sup> Universal Declaration Of Human Rights

بشر را فراهم کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، قوانین محدود کننده را در صورتی موجه می داند که در چارچوب یک نظام دموکراتیک و از طریق یک فرآیند دموکراتیک تصویب شده باشد. این الزام رسمی برای قوانین محدود کننده، به جلوگیری از سوء استفاده احتمالی از محدودیت های ناموجه و خودسرانه بر آزادی بیان کمک کند. (قاضی، ۱۳۹۵: ۱۴۹)

#### ۴-۳- محدودیت های قانونی اعمال آزادی بیان

در قانون اساسی ایران میتوان حق آزادی بیان را از اصل ۲۳ قانون اساسی استنباط نمود. همچنین اصل ۲۴ قانون اساسی مقرر می دارد «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد، تفضیل آن را قانون معین می کند.» بی تردید مطبوعات یکی از جلوه های بارز و مهم آزادی بیان می باشد و واضعان قانون اساسی با درک این مساله ضمن تصریح بر آزادی نشر بیان و مطالب، محدوده آن را دو موضوع قرار داده اند:

#### اخلال در مبانی اسلام

«اصول اسلام»، در اصل ۲۴ قانون اساسی، به «مجموعه ای از اصولی که انکار یا مخالفت با آنها، به معنای انکار دین اسلام است محدود شده است و منظور از آن صرفا اصول اساسی دین، یعنی احکام و عبادات نیست». (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۷۹) بنابراین مبانی اسلام فقط اعتقادات اسلامی یعنی اصول دین و مذهب از قبیل توحید، نبوت، عدل، معاد و امامت را شامل می شود و لاغیر. در یک فرض دیگر نیز مبانی اسلام «مشمول بر اعتقادات و احکام اسلامی و امور دیگری از مسائل اجتماعی و فردی مشتمل بر مجازات های اسلامی» حدود، قصاص، دیات» و به عبارتی اصول، فروع و اعمال دانسته شد. (جوادی، ۱۳۹۸: ۷۸) از مباحثات خبرگان قانون اساسی در زمان تصویب این اصل، چنین بر می آید که «مخالفت با عفت عمومی، توهین به مقدسات اسلامی، تذبویج فساد، انتشار مطالبی که موجب گمراهی مردم شود و..» از میان فرض ها و نظریات مختلف می توان گفت فرض اول منطقی تر و صحیح تر به نظر می رسد. زیرا در بررسی آراء و نظریات فقهی فقها به این نتیجه می رسیم که تنها موارد یاد شده مورد اجماع آنهاست. (آذری، ۱۳۹۸: ۱۶۵-۱۶۳)

#### اخلال در حقوق عمومی

یکی دیگر از محدودیت هایی که در اصل ۲۴ قانون اساسی به عنوان محدودیت آزادی بیان ذکر شده است، حقوق عمومی است. به عبارت دیگر، افراد تا حدی آزادی بیان

دارند که حقوق عمومی را مختل نکنند. در مورد این اصطلاح گفته شده است که این اصطلاح در واقع به معنای «نظم عمومی» است و دلیل نام آن استفاده مجازی آن است. از یک سو، مفهوم حقوق عمومی با حاکمیت و استقلال دولت ها مرتبط است، به این معنی که دولت ها سعی می کنند خود را حفظ و تثبیت کنند و پایه های خود را تثبیت کنند و از سوی دیگر، حقوق عمومی، شامل حقوق اساسی شهروندان و جامعه نیز می شود که دولت ها موظف به تامین و حمایت از آن هستند. بنابراین، می توان گفت که حقوق عمومی، حقوقی هستند که در قانون اساسی و قوانین عادی یک کشور برای مردم به رسمیت شناخته شده اند. به عبارت دیگر، این حقوق، روابط بین دولت، مردم و فرد را تنظیم می کنند و دولت ها موظف به حفظ آنها هستند. در یک نظام قضایی مستقل و بی طرف، کسانی که آنها را نقض می کنند باید به شدت مجازات شوند و افراد باید از نقض آنها جلوگیری کنند. (همان، ۱۳۹۸: ۱۶۷-۱۶۵)

#### ۴-۴- حدود آزادی بیان کارکنان دولت

کارکنان دولت به دلیل مسئولیت در اجرای قوانین و نمایندگی غیر مستقیم از سوی حاکمیت، مشمول محدودیت های خاص تری هستند. اعمال بی ملاحظه آزادی بیان توسط آنان، به ویژه در موضوعات سیاسی یا مذهبی حساس، می تواند به اختلال در نظم اداری یا مخدوش شدن بی طرفی سازمان منجر شود. در برخی کشورها، این موضوع با اصل بی طرفی سیاسی "Neutralite Administrative"<sup>30</sup> تبیین می شود. در ایران، اگرچه چنین اصل صریحی به کار نرفته، اما مقررات اداری و انضباطی، اعمال برخی رفتارها و اظهارات را برای کارکنان دولت مجاز نمی دانند. با وجود این آزادی بیان زمانی ارزشمند خواهد بود که همراه با مسئولیت باشد. این حق در صورتی تحقق می یابد که افراد بتوانند بدون اضطراب، باورهای خود را ابراز کنند اما در چهارچوب قانون و مصالح عمومی. آزادی بیان در عین برخورداری از ارزش ذاتی، تنها در صورتی قابل اتکا خواهد بود که از سوی قانون اساسی تضمین گردد.

۵. بررسی مفهومی آزادی آکادمیک با تاکید بر آزادی بیان اعضای هیات علمی دانشگاه های دولتی

<sup>30</sup> Neutralite administrative designe l'obligation pour les agents publics de rester impartiaux et independants de toute influence politique dans l'exercice de leurs fonctions, garantissant ainsi un service public equitable et professionnel.

در ادبیات حقوقی و فلسفی، میان دو اصطلاح «آزادی علمی»<sup>۲۷</sup> و «آزادی آکادمیک» تمایز گذاشته می‌شود. مقصود از آزادی علمی در معنای خاص خود، آزادی در قلمرو پژوهش‌های تجربی است، به نحوی که آموزش یا پژوهش‌های نظری و انتقادی را در بر نمی‌گیرد. بر همین اساس و با توجه به کاربرد واژه "science" در زبان انگلیسی، آزادی علمی به طور عمده به حوزه علوم طبیعی<sup>۲۸</sup> و علوم اجتماعی<sup>۲۹</sup> مربوط می‌شود؛ یعنی رشته‌هایی که با مطالعه تجربی واقعیات‌های عینی و بیرونی سروکار دارند، در حالی که دانش‌های انسانی<sup>۳۰</sup> و مطالعات تحلیلی از دایره شمول آن بیرون می‌مانند. بنابراین هنگامی که سخن از آزادی علمی به میان می‌آید، مقصود آزادی فعالیت‌های پژوهش تجربی است و نه آزادی در تحقیقات تحلیلی و انتقادی که در سنت علوم انسانی متداول است. از سوی دیگر، آزادی آکادمیک مفهومی وسیع‌تر دارد و تمامی فعالیت‌های علمی در محیط دانشگاه - اعم از پژوهش‌های تجربی و غیر تجربی، آموزشی و تحقیقی - را شامل می‌شود. آزادی علمی به معنای خاص هر پژوهشگری را که در مراکز علمی به تحقیقی می‌پردازد در بر می‌گیرد، چه این مرکز دانشگاهی باشد و چه مؤسسه‌ای مستقل یا حتی صنعتی. در حالی که آزادی آکادمیک بیشتر ناظر بر فعالیت‌های اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و تا حدودی دانشجویان است. در تعاریف کلاسیک، آزادی آکادمیک حتی آزادی تحصیل و تحقیق دانشجویان را نیز در بر می‌گیرد، امری که در چهارچوب آزادی علمی به آن تصریح نشده است. با این وجود، تمایز یاد شده تفاوت ذاتی میان دو مفهوم را نشان نمی‌دهد، بلکه بیشتر ناشی از پیشینه تاریخی، فرهنگ حقوقی و نیز مقررات و آرای قضایی در هر نظام حقوقی است. به همین دلیل در برخی نظام‌های حقوقی، از جمله ایران، می‌توان به جای آزادی آکادمیک از اصطلاح آزادی علمی استفاده کرد و آن را ذیل یک حق کلی‌تر و عام‌تر قرار داد که شامل آزادی فکری و آزادی پژوهشی در معنای عام می‌شود. در چنین صورتی، آزادی آکادمیک دیگر یک آزادی حرفه‌ای ویژه دانشگاهیان نخواهد بود، بلکه به عنوان بخشی از آزادی عمومی علمی و فکری قابل مطالبه توسط همه افرادی است که درگیر آموزش یا پژوهش هستند. به عبارت دیگر، در این نگاه، آزادی آکادمیک از موضوعیت مستقل خارج می‌شود و تفاوتی با سایر آزادی‌های عمومی نخواهد داشت. بنابر این، آن چه نیازمند توجهیه حقوقی می‌ماند، حمایت‌های ویژه‌ای است که از آزادی علمی یا فکری فراتر از سطح حمایت‌های معمول از آزادی بیان یا رسانه‌ها صورت می‌گیرد. نمونه بارز این امر در

<sup>31</sup>.Scientific Freedom

<sup>32</sup>.Natural Sciences

<sup>33</sup>.Social Sciences

<sup>34</sup>.Humanities

حقوق اساسی آلمان، مطابق ماده ۳۵ «قانون بنیادین»، «آزادی علمی» را به عنوان حقی قابل مطالبه برای هر شخصی به رسمیت شناخته است که به فعالیت های پژوهشی جدی اشتغال دارد. تفسیر دادگاه قانون اساسی این کشور نیز بر این نکته تاکید دارد که آزادی علمی شامل پژوهش در دانشگاه، مراکز پژوهشی، صنایع و حتی پژوهش های فردی مستقل می شود. این آزادی فراتر از آزادی بیان است، زیرا نه تنها شامل اظهارنظر، بلکه شامل فعالیت های عینی و علمی همچون انجام آزمایش های حیوانی، مطالعات میدانی یا پژوهش های بالینی نیز می شود. به همین دلیل، برخلاف آزادی بیان که صرفاً بر حق اظهارنظر و نشر متمرکز است، آزادی علمی و آکادمیک ماهیتاً متضمن آزادی انجام فعالیت های علمی و پژوهشی نیز هست. در این میان، برخی اندیشمندان مانند جان استورات میل میان اعمال انسانی تفکیک قائل شده و تاکید می کنند که فعالیت های علمی صرفاً اعمالی معطوف به خود فرد نیستند که آثار آن ها تنها متوجه شخص باشد، بلکه پیامدهای اجتماعی و بیرونی دارند و به همین دلیل نمی توانند مشمول آزادی مطلق باشند.<sup>۳۱</sup> از همین منظر است که حتی در جوامع دموکراتیک، آزادی علمی نیازمند ضوابط و محدودیت های معقول تلقی می شود. افزون بر این، برخلاف آزادی بیان که ارتباط آن با دموکراسی نمایان تر است، آزادی علمی و آکادمیک لزوماً بر مشارکت سیاسی یا تحقق دموکراسی لیبرال منجر نمی شود و می تواند در نظام های غیر لیبرال نیز تحقق یابد. نمونه تاریخی این مسئله را می توان در دوران یونان باستان، قرون وسطی یا عصر حکومت های مطلقه مشاهده کرد، دوره هایی که علی رغم فقدان آزادی های سیاسی گسترده، شاهد

<sup>۳۱</sup>. جان استورات میل در فصل اول کتاب "درباره ی آزادی" با تفکیک اعمال ناظر به خود (Self - regarding) و اعمال ناظر به دیگری (Other - regarding) جملاتی دارد که مبنای بحث های زیادی میان فلاسفه و نویسندگان به ویژه در دو حوزه اخلاق و سیاست شده است. به عقیده میل، (تنها بخشی از رفتار خصوصی انسان که وی در قبال جامعه مسئول است، بخشی است که به دیگران ارتباط دارد وگرنه در بخشی که تنها به خودش مربوط است، استقلال وی از نظرگاه حق و منطق، کامل و محرز است. هر فرد انسانی نسبت به خودش، نسبت به فکر و بدنش، حق حاکمیت مطلق دارد). اینها اعمالی است که تنها به خود فرد مربوط می شود. به گفته میل: (تنها هدف موجهی که به پاس آن می توان بر هر کدام از افراد جامعه متمدن حتی برخلاف اراده آنها اعمال قدرت کرد، این است که مانع از زیان زدن وی به دیگران گردد... برای اینکه تنبیه یا مجازات کردن وی توجیه شود آن رفتاری که می خواهیم او را از انجامش نهی کنیم باید چنان باشد که به کس دیگری ضرر بزند).

دستاوردهای مهم علمی و هنری بوده ایم. بنابراین هرچند در شرایط کنونی، آزادی علمی و پژوهشی معمولاً در بستر جوامع آزاد و دموکراتیک معنا می یابد، اما تجربه تاریخی نشان می دهد که این آزادی ها به طور انحصاری به چنین جوامعی محدود نبوده است. در نتیجه، می توان جامعه ای را تصور کرد که آزادی بیان سیاسی در آن تا حدودی مجاز باشد، اما آزادی علمی و هنری تحت مقررات سخت گیرانه تری قرار گیرد. به همین ترتیب، آزادی آکادمیک نیز ویژگی خاص خود را دارد و حقی ویژه دانشگاهیان است که به طور برابر میان استادان و دانشجویان توزیع نمی شود در نهایت، می توان گفت که اگرچه میان آزادی علمی، آزادی آکادمیک و آزادی بیان هم پوشانی های فراوانی وجود دارد و بسیاری از استدلال های نظری در دفاع از یکی به نفع دیگری به کار می آید، اما آزادی آکادمیک به دلیل ماهیت نهادی خود و پیوندش با خودمختاری دانشگاهی، توجیه خاصی می طلبد. به ویژه آن که استدلال های مربوط به خودمختاری نهادی دانشگاه متفاوت است و باید با دقت بیشتری تحلیل شود. (رنجبر، ۱۴۰۱: ۱۰۹-۱۰۶)

#### ۱-۵- جایگاه آزادی آکادمیک در قوانین اساسی

هرچند قانون اساسی اغلب کشورها حاوی مقررات و بلکه تضمین هایی برای حمایت از آزادی نطق، عقیده و بیان است و این نکته با توجه به پیوند نزدیک آزادی آکادمیک «فردی» و آزادی بیان اهمیت زیادی دارد، اما شناسایی آزادی آکادمیک با آزادی آموزش و پژوهش به عنوان یک حق آزادی مستقل دست کم در متن قانون اساسی امر شایعی نیست. به عنوان نمونه، تنها سیزده کشور عضو اتحادیه اروپا حاوی مقرراتی از این گونه در قانون اساسی خود هستند. هشت کشور خودمختاری یا خودگردانی نهادهای آموزش عالی را در قانون اساسی خود پیش بینی کرده اند. در شش کشور<sup>۳۲</sup> نیز آزادی آکادمیک به هر دو معنی فردی و نهادی پیش بینی شده است. با این حال، به نظر می رسد اصطلاح «آزادی آکادمیک» تنها در قانون اساسی دو کشور اسپانیا و لوکزامبورگ<sup>۳۳</sup> به کار رفته است. باقی کشورها از آزادی آموزش «بلژیک، پرتغال» یا آزادی پژوهش «سوئد، بلژیک، کرواسی» یا آزادی آموزش و پژوهش نام برده اند. در مجموع، در قانون اساسی و قوانین عادی

<sup>۳۲</sup>. شامل استونی، فنلاند، ایتالیا، پرتغال، لیتوانی، پرتغال، اسلوانی.

<sup>۳۳</sup>. مطابق ماده ۲۰ قانون اساسی ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸ اسپانیا از جمله حقوقی که باید موضوع شناسایی و حمایت قرارگیرد، (آزادی آکادمیک) است. ماده ۲۴ قانون اساسی ۱۷ اکتبر ۱۹۶۸ لوکزامبورگ نیز از (آزادی آکادمیک) حمایت می کند.

بیست و سه کشور اروپایی<sup>۳۴</sup> «بیشترین در بین قاره‌ها» آزادی آکادمیک و آزادی علمی به نوعی پیش‌بینی شده است. بجز دو کشور یونان و مالتا، همه کشورها دارای قوانین خاص مربوط به آموزش عالی هستند که در آن‌ها به آزادی آکادمیک فردی یا نهادی اشاره شده است. بر اساس نوع تأکیدی که قانون اساسی‌ها بر آزادی آکادمیک فردی و نهادی صورت می‌دهند، می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: قانون اساسی‌های حامی آزادی آکادمیک فردی و قانون اساسی‌های حامی آزادی آکادمیک نهادی. برخی قانون اساسی‌ها نیز حاوی تکالیف حمایتی برای دولت هستند و دولت را موظف به حمایت از آزادی آکادمیک می‌شناسند. آزادی آکادمیک فردی یک آزادی منفی است؛ یک حق دفاعی که مدافع عدم مداخله «فشار و محدودیت» دولت و مراجع بیرونی در آموزش و پژوهش دانشگاهی است. قانون اساسی کشورهای چوآن آلمان<sup>۳۵</sup>، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، لهستان، مجارستان، یونان، اسلواکی، ژاپن<sup>۳۶</sup> و فیلیپین<sup>۳۷</sup> از این دسته‌اند. با این حال، پرسش‌هایی در مورد دامنه شمول این آزادی و مرزهای آن باقی است. برخی کشورها در قانون اساسی خود خودمختاری نهادی دانشگاه‌ها را به جای آزادی آکادمیک فردی شناخته‌اند، مانند فنلاند و استونی. همچنین در بعضی کشورها، دولت مکلف به تأمین، احترام و پیشبرد آزادی آکادمیک شناخته شده است، مانند یونان، ایتالیا، اسپانیا و مالتا. این تکلیف گاه با حمایت از حقوق مالکیت فکری نیز همراه شده، چنان‌که در لتونی، پرتغال و اسلواکی دیده می‌شود. (همان، ۱۴۰۱: ۱۵۴-۱۵۲)

## ۲-۵- جایگاه آزادی آکادمیک در اسناد بین‌المللی

### ۱-۲-۵- اعلامیه جهانی حقوق بشر

<sup>۳۴</sup> استونی، لٹونی، فنلاند، ایتالیا، پرتغال، لیتوانی، پرتغال، اسلوانی، اسلواکی، جمهوری چک، مجارستان، اسپانیا، آلمان، فرانسه، هلند، دانمارک، سوئد، لوکزامبورگ، ایرلند، ایتالیا، یونان، اتریش و بریتانیا.

<sup>۳۵</sup> البته در قانون بنیادی آلمان از اصطلاح عام (آزادی علمی) استفاده شده است تا آزادی آکادمیک. مطابق ماده ۵(۳) قانون بنیادی (اساسی)، حق بر (آزادی علمی) می‌تواند بوسیله هر کسی ادعا یا مطالبه شود که به آموزش و پژوهش علمی مشغول است، خواه در دانشگاه باشد، یا موسسه پژوهشی، صنعت یا به صورت کاملاً مستقل.

<sup>۳۶</sup> مطابق ماده ۲۳ قانون اساسی ۱۹۴۶ ژاپن (آزادی آکادمیک تضمین می‌شود).

<sup>۳۷</sup> مطابق بند ۲ از بخش ۵ قانون اساسی ۱۹۸۷ فیلیپین (آزادی آکادمیک باید در همه نهادهای آموزش عالی وجود داشته باشد).

آزادی آکادمیک به صراحت در اسناد حقوق بشر بین المللی ذکر نشده است: ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر حاوی حق مشارکت شهروندان در زندگی فرهنگی است. مطابق ماده یاد شده، «هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت جوید، از هنرها برخوردار گردد و از پیشرفت های علمی و دستاوردهای آن بهره مند شود.»<sup>۳۸</sup> اگر دانش پژوهی و انجام پژوهش علمی و ایراد «نطق علمی»<sup>۳۹</sup> را مشمول مفهوم مشارکت در زندگی فرهنگی بدانیم، بی تردید مفاد این ماده می تواند به طور غیر مستقیم مبنای استدلال به سود آزادی علمی و آکادمیک باشد. همین طور، آزادی نظر یا عقیده و آزادی بیان عقیده ها از هر طریق و بدون دخالت دیگران در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، نیز کنوانسیون «میثاق» حقوق مدنی - سیاسی، آشکارا موضوع حمایت قرار گرفته است. (همان، ۱۴۰۱: ۱۵۵)

#### ۲-۲-۵- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

مطابق ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق مدنی - سیاسی ملل متحد مصوب ۱۹۶۶:

۱. همه افراد حق داشتن نظرات بدون دخالت دیگران را خواهند داشت؛
  ۲. هرکسی حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده ها از هر نوع، صرف نظر از مرزها، چه به صورت شفاهی، کتبی، چاپی به شکل آثار هنری یا از طریق هر وسیله دیگری به انتخاب خود، می شود.
- می توان این گونه گفت که بدون شناسایی این حقوق، جایی برای دفاع از آزادی علمی و آکادمیک باقی نمی ماند. اینترنت نیز در دهه های اخیر مجرای مهم ارتباطی پژوهشگران با جامعه بوده است؛ بنابراین محدود کردن فضای مجازی می تواند نقش مهمی در کاهش جریان اطلاعات و نشر ایده های تازه و از این راه، محدود کردن آزادی علمی و آکادمیک داشته باشد. با این حال باید دانست که این حقوق و آزادی ها مطلق نیستند و در اسناد بین المللی نیز همانند حقوق داخلی با محدودیت هایی همراه هستند؛ چنانکه ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق مدنی - سیاسی در ادامه تصریح می کند که اعمال آزادی بیان مستلزم مسئولیت ها و تعهدات خاصی است. بنابراین، اعمال این حق ممکن است تابع

<sup>۳۸</sup>. بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه در ادامه مقرر می کند (هرکس حق دارد از منافع مادی و معنوی هر اثر علمی، ادبی یا هنری که خود پدیدآورنده آن است، برخوردار شود). مفاد این ماده در مجموع ناظر به چیزی است که به زبان عده ای (حق بر علم) خوانده می شود.

<sup>۳۹</sup>. اصطلاح نطق علمی (Scientific Speech) که به نوشته های اخیرتر آمریکایی راه یافته، شامل پژوهش علمی هم می شود.

محدودیت های خاصی باشد. چنین محدودیت هایی فقط می توانند توسط قانون و در موارد ضروری پیش بینی شوند :

الف. به منظور احترام به حقوق و حیثیت دیگران؛

ب. به منظور حمایت از امنیت ملی یا نظم، بهداشت و اخلاق عمومی.

همچنین ماده ۲۰ کنوانسیون نیز به صراحت مقرر می کند که «هرگونه تبلیغات برای جنگ» و «هر گونه حمایت از تنفر ملی، نژادی یا مذهبی که باعث تبعیض، دشمنی یا خشونت شود» به موجب قانون ممنوع خواهد بود. هر چند شرط اعمال این محدودیت ها در کنوانسیون وضع قانون است؛ اما اعلامیه جهانی حقوق بشر «ماده ۲۹» قانون محدودکننده را در صورتی موجه می داند که در یک جامعه دموکراتیک شکل گرفته باشد؛ شرطی که به منظور جلوگیری از سوء استفاده احتمالی در تحدید غیرموجه آزادی نظر و بیان مقرر گردیده است. اما برخلاف کنوانسیون حقوق مدنی - سیاسی، کنوانسیون «میثاق» حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ملل متحد به صراحت آزادی علمی - آکادمیک را «بدون ذکر اصطلاح» جزئی از حق بر آموزش و پیشرفت شناخت می داند. مطابق ماده ۱۵ کنوانسیون:

۱. دولت های عضو کنوانسیون حاضر حقوق زیر را برای هر فرد به رسمیت می شناسند :

الف. مشارکت در زندگی فرهنگی؛

ب. بهره مندی از مزایای پیشرفت علمی و کاربردهای آن؛

ج. حمایت از منافع مادی و معنوی که در نتیجه تولید آثار علمی، ادبی و هنری فرد به وجود آمده است؛

۲. اقداماتی که به وسیله دولت های عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق در این میثاق به عمل خواهد آمد شامل اقدامات لازم به منظور حفظ و توسعه و ترویج فرهنگ می باشد؛

۳. دولت های عضو این میثاق متعهد می شوند که آزادی های لازم را جهت انجام تحقیقات علمی و فعالیت های مبتکرانه محترم شمرند؛

۴. دولت های عضو این میثاق به منافع حاصل از تشویق و گسترش تماس ها و همکاری های بین المللی در زمینه های علمی و فرهنگی معترف هستند. آزادی فکر و بیان و حق آموزش دو پایه اصلی یا به عبارت دیگر، دو شرط لازم «و البته نه کافی» برای آزادی آکادمیک محسوب می شوند که به شرح بالا در اسناد حقوق بشر بین المللی پیش بینی شده است. البته ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بند ۳ به طور مشخص به تعهد دولت ها به احترام نهادن به «آزادی لازم برای انجام تحقیقات علمی و فعالیت های مبتکرانه» اشاره کرده است که در واقع محتوای آزادی علمی - آکادمیک را تشکیل می دهد. مطابق نظر «کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی فرهنگی» در خصوص حق

آموزش، بهره‌مندی از حق بر آموزش تنها در صورتی محقق می‌شود که با آزادی آکادمیک کارکنان و دانشجویان همراه باشد؛ چرا که از نظر این کمیته، کارکنان «استادان» و دانشجویان آموزش عالی در برابر فشارهای سیاسی و دیگر فشارهایی که به آزادی آکادمیک لطمه می‌زند، آسیب‌پذیرند. همین‌طور از نظر کمیته، بهره‌مندی از آزادی آکادمیک مستلزم خودمختاری نهادهای آموزش عالی است. به علاوه بهره‌مندی از مزایای پیشرفت علمی و کاربردهای آن در بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون تنها در صورتی فراهم می‌شود که دولت‌ها محیط پژوهش آزادانه را فراهم کنند. از آن سو، محیط پژوهش علمی آزاد خود مستلزم «بهره‌مندی از مزایای پیشرفت علمی» از جمله دسترسی به یافته‌های علمی دیگران است. (رنجبر، ۱۴۰۱: ۱۵۸-۱۵۵)

#### ۶- آزادی اجتماع کارکنان دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

یکی از ارزنده‌ترین آزادی‌های قرن بیستم آزادی اجتماعات است. منظور از حق آزادی اجتماع این است که هر فردی حق دارد تجمعی تشکیل بدهد و یا اینکه به اجتماعی بپیوندد. امروزه حق تجمع به عنوان یکی از اصول و پایه‌های دموکراسی در نظر گرفته می‌شود و امکان شنیده شدن صدا و نظرات همه مردم در مورد مسائل مختلف را فراهم می‌کند و مسیری فرعی برای گفت و گو بین مردم، به ویژه اقلیت‌ها و رهبران جامعه ایجاد می‌کند. حق آزادی تجمع و تشکل می‌تواند به بیان دیدگاه‌های احزاب و گروه‌های مخالف در کشورهایی با آزادی رسانه‌ای کمتر کمک کند. در واقع، بر خلاف انتخابات که تنها منعکس‌کننده نظر اکثریت است، آزادی تجمع می‌تواند به بیان و انعکاس خواسته‌های همه اقشار جامعه، از اکثریت تا اقلیت، کمک کند و شاید اهمیت اصلی این حق در همین کارکرد نهفته است. این حق یکی از حقوق بنیادین افراد در جوامع مردم‌سالار است که نقش مهمی در تحقق مشارکت سیاسی ایفا می‌کند. کارکنان دولت به عنوان شهروندان یک جامعه، از حقوق و آزادی‌های سیاسی از جمله حق آزادی اجتماع برخوردار می‌باشند. (حسنی، ۱۴۰۲: ۸) حق آزادی اجتماع پیوندی عمیق با حق آزادی بیان دارد به نحوی که بدون به رسمیت شناختن آن نمی‌توان آزادی اجتماعات را ادعا نمود، چرا که اعمال این دو حق آزادی، طریقی برای بیان دیدگاهی است که شهروندان تمایل دارند به نحو گروهی آن را ابراز نمایند. از سوی دیگر اجتماع کردن حتی اگر با سکوت همراه باشد، نوعی بیان و ابراز است. این حق از حقوق بنیادین مدنی-سیاسی شهروندان است که در اسناد حقوق بشری و نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی ایران، مورد شناسایی قرار گرفته است (مهملی فر، رفعت نژاد، ۱۴۰۳: ۱۵۹)

#### ۶-۱- جایگاه آزادی اجتماع در حقوق اساسی ایران

بحث مشارکت شهروندان در گستره اداره عمومی کشور به عنوان عالی ترین جلوه حق حاکمیت مردم، آنچنان که ضمن اصل ۵۶ قانون اساسی<sup>۴</sup> ایران مورد لحاظ قرار گرفته؛ برآیندی از حق تعیین سرنوشت ایشان و حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خویش است که نشأت گرفته از حق حاکمیت الهی و در طول آن است؛ حق برپایی و تجمع و راهپیمایی در امتداد حق مشارکت در اداره امر عمومی و به عنوان تجلی گاه مهم آن از حقوق منفی مردم و اصول جدانشدنی حاکمیت ملی و مولفه مهم جامعه دموکراتیک بوده که تحقق آن در فضای دموکراسی مشارکتی نیازمند بستری مناسب است و آن تنها در شرایطی حادث می گردد که یک توافق جمعی مبتنی بر اعتماد دوسویه میان شهروندان و دولت موجود بوده که ضمن آن شهروندان بتوانند منافع خود را بصورت قانونی و مسالمت آمیز پیگیری کنند؛ این مهم جز با نقش حمایتی دولت در تضمین و مقابله با نقض آنها، به نحوی که اصول متعدد قانون اساسی نیز موید آن می باشد امکان پذیر نیست. آزادی برگزاری اجتماعات، نخستین بار در اصل ۲۱ قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۶ و متمم آن به رسمیت شناخته شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این حق با عنوان آزادی برگزاری اجتماعات و راهپیمایی ها در سال ۱۳۵۸ در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جای گرفت. در هر حال برگزاری اجتماعات و راهپیمایی ها از حقوق بنیادین مدنی - سیاسی بوده و دارای پشتوانه اساسی به موجب اصل ۲۷ می باشد و مستفاد از اصل ۹ قانون اساسی، حتی بواسطه وضع قوانین و مقررات نیز نمی توان آزادی های مشروع را به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور سلب نمود. (همان، ۱۴۰۳: ۱۶۵-۱۶۴)

لذا بر اساس اصل بیست و هفتم قانون اساسی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه منخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». یکی از مواردی که میتوان به وسیله ی آن در چهارچوب نظم موجود و قانون اساسی اعتراض نمود، بحث آزادی تجمعات و راه پیماییها میباشد. همان طور که از ظاهر اصل فهم می شود، این اصل عام بیان شده و تشکیل تجمعات اعتراضی را مجاز می شمارد. (شکرالهی، صفرزاده عربی، ۱۳۹۵: ۲۴۹) بر اساس این اصل، تنها دو محدودیت صریح برای اعمال و اجرای این حق وجود دارد: «حمل سلاح» و «نقض مبانی اسلام». در عین حال، باید توجه داشت که علاوه بر محدودیت ذکر شده در بالا، شرایط و محدودیت های دیگری نیز وجود دارد که

<sup>۴</sup>. اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می آید اعمال میکنند.

به خودی خود مهم هستند. اگرچه بعید است که تظاهرات و زاهیمائی های افراد یا گروه ها به تنهایی بتواند استقلال یا تمامیت ارضی کشور را به خطر بیندازد و به آن آسیب برساند، اما چنین محدودیتی برای همه حقوق و آزادی های شناخته شده وجود دارد و معترضان باید این شرط اساسی را در نظر بگیرند. (هاشم زاده، ۱۴۰۱: ۸)

## ۲-۶- جایگاه آزادی اجتماع در منشور حقوق شهروندی

حقوق آزادی اجتماعات، علاوه بر پیش‌بینی در قانون اساسی و قوانین عادی، در منشور حقوق شهروندی نیز برای تمامی شهروندان مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته است. به گونه‌ای که مواد ۴۳ الی ۴۶ منشور به‌طور مشخص به تبیین و تضمین حق تشکیل، عضویت و فعالیت در اجتماعات و راهپیمایی‌ها پرداخته‌اند.

بر اساس ماده ۴۳ منشور، شهروندان حق دارند در چهارچوب قانون، احزاب سیاسی، انجمن‌ها، سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی، صنفی و غیر دولتی تاسیس، به آنها بپیوندند و در آنها مشارکت کنند (مدنی، ۱۴۰۰، ۸۷). این ماده تصریح می‌کند که هیچکس را نمی‌توان از شرکت در این سازمان‌ها محروم یا مجبور به این کار کرد. عضویت یا عدم عضویت در چنین نهادهایی نباید منجر به سلب یا محدود کردن حقوق مدنی و همچنین تبعیض غیر موجه شود.

ماده ۴۴ منشور نیز، مشارکت مؤثر شهروندان در قالب اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و نظام‌های صنفی را در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قوانین، حق مسلم آنان دانسته است. این ماده در واقع بر نقش مشارکت‌جویانه و اثرگذار نهادهای مدنی در فرآیندهای حکمرانی تأکید دارد. همچنین در ماده ۴۵، فعالیت‌های مدنی در حوزه‌های مرتبط با حقوق شهروندی به عنوان حق هر شهروند شناسایی شده است. در این ماده آمده است که سازمان‌های مردم‌نهاد باید از حق دسترسی به اطلاعات و حق مراجعه به دادگاه صالح برای دادخواهی در خصوص نقض حقوق شهروندی برخوردار باشند؛ بدین معنا که حق اعتراض و پیگیری قضایی نقض حقوق، یکی از ابزارهای مهم تقویت جامعه مدنی تلقی می‌شود. و در نهایت، ماده ۴۶ منشور به احترام به قانون در هنگام برگزاری تجمعات و تظاهرات اختصاص داده شده است. این ماده تصریح می‌کند که شهروندان حق دارند آزادانه و مطابق قانون، تجمعات و تظاهرات را سازماندهی و در آنها شرکت کنند. همچنین بر بی‌طرفی نهادهای مسئول و حفظ امنیت تجمعات که از وظایف دولت و تضمین آزادی اجتماعات است، تأکید شده است.

بر این اساس، منشور حقوق شهروندی نه تنها آزادی اجتماعات را به رسمیت شناخته، بلکه با بیان جزئیات و تعیین حقوق و تکالیف متقابل دولت و شهروندان، جایگاه این

آزادی بنیادین را در ساختار حقوقی کشور مستحکم ساخته است. (هاشمی اوریمی ، ۱۴۰۲: ۶۶-۶۷)

### ۶-۳- جایگاه آزادی اجتماع در مقررات

پس از پیروزی قاطع انقلاب اسلامی و استقرار حکومت مردمی و دینی ، حق برگزاری تجمعات و راهپیمائی ها ، مطابق با تعهد به انجام وظیفه عمومی امر به معروف و نهی از منکر و به عنوان جلوه ای از اجرای اصل هشتم قانون اساسی ، مورد توجه ویژه قرار گرفته و اصل بیست و هفتم قانون اساسی در آن گنجانده شده است. با وجود برخی مقررات و چهارچوب های قانونی ، همچنان خلاءهایی در اجرای کامل این اصل بیست و هفتم وجود دارد و چگونگی برقرار کردن تعادل میان تضمین حقوق و آزادی های عمومی و تامین نظم و امنیت عمومی تبدیل به چالشی مهم شده است. از یک سو ، جمع آوری و شنیدن مطالبات مردمی و از سوی دیگر ، حفظ نظم و امنیت عمومی ضروری است . در این راستا ، سازوکارهای مشخصی برای تسهیل و تضمین برگزاری تجمعات و راهپیمائی ها را بر اساس هدف و مقیاس آنها از هم متمایز می کند تا هر یک از این تجمعات با تشریفات قانونی خاص خود برگزار شود. لایحه نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمائی ها که در ۱۴۰۱ ماده و به پیشنهاد معاونت حقوقی رئیس جمهور در جلسه دوم بهمن ۱۴۰۱ برای طی تشریفات قانونی به مجلس ارسال شد ، مهم ترین نقطه قوت خود را در به رسمیت شناختن تفاوت ها و تکرر موضوعات تجمعات می داند و برای هر نوع تجمع نظام خاصی طراحی کرده است . دولت سیزدهم با ارائه این لایحه نشان داده است که امکان جمع میان نظرات دو رویکرد امنیتی و آزادی طلبانه وجود دارد و ارائه نسخه ای اجماع ساز برای حل این مساله انتظاری است که تا حد زیادی در این لایحه برآورده شده است. در تجمعات و راهپیمائی ها ، ناگزیر شاهد تقابل دو عنصر هستیم : آزادی به عنوان حق طبیعی افراد و قدرت به عنوان عامل ایجاد نظم. با این حال ، با توجه به حق طبیعی مردم در بیان خواسته های خود و نظم عمومی ، ایجاد تعادل بین این دو مفهوم ضروری است. متأسفانه ، حتی در نظام های مردمی و دموکراتیک که گسترده ترین حقوق برای جامعه و افراد آن به رسمیت شناخته شده است ، به دلیل غلبه احساسات و عواطف ناشی از فشار بر مدعیان و از سوی دیگر ، حضور احتمالی افرادی خارج از قانون که به دنبال ایجاد نا آرامی و بی نظمی هستند ، تظاهرات می تواند به خشونت تبدیل شود . به همین دلیل ، لزوم نظارت یک مرجع عمومی اجتناب ناپذیر است. در این راستا ، آیین نامه نحوه تامین امنیت تجمعات و راهپیمائی های قانونی مصوب ۸۶/۳/۳۱ تدابیر ویژه ای را برای حفظ امنیت و تامین حفاظت از تجمعات قانونی تحت مسئولیت نیروی انتظامی در نظر گرفته است. حتی با فرض اینکه خود معترضان از ورود افراد علاقه مند به اهداف خاص و اعضای غیرحزبی

در سیستم هایی که احزاب برای اعضای خود کارت شناسایی یا عضویت، صادر می کنند جلوگیری کنند یا از هر گونه خشونت و حرکات غیرمعمول جلوگیری کنند، باز هم جمعیت زیاد معترضان می تواند باعث اختلال در حرکت عمومی، ایجاد راه بن‌اندان و نقض حقوق سایر شهروندان شود. البته برای تامین امنیت و حفظ امنیت عمومی، مقررات مذکور، سایر نهادها از جمله کارکنان وزارت اطلاعات و شورای امنیت را موظف به حفظ نظم و امنیت کرده است. (هاشمی، ۱۴۰۲: ۱۰۵). ماده ۲۰: تامین حفاظت و امنیت مراسم قانونی شامل مسیرهای منتهی به محل برگزاری مراسم و خروجی های آن تا زمان متفرق شدن به محل برگزاری مراسم و خروجی های آن تا زمان متفرق شدن جمعیت است. ماده ۲۱: نیروی انتظامی و سایر نیروهای مسلح که طبق ماده ۱۱ این مقررات مسئول حفاظت و امنیت تجمعات هستند و سازمان های اطلاعاتی به منظور شناسایی و برخورد قانونی با متخلفان و برهم زندگان احتمالی مراسم، موظفند از مراسم حساس و مهم، طبق تشخیص شورای امنیت محل برگزاری، فیلمبرداری و عکسبرداری کنند. (همان، ۱۴۰۲: ۸۰-۷۳)

همانند وضعیت مشاهده شده در حوزه آزادی بیان، تلاش های انجام شده برای شناسایی و گردآوری آرای قضایی مرتبط با آزادی اجتماع در ارتباط با کارکنان دولت نیز با محدودیت های جدی مواجه گردید. بررسی منابع معتبر نشان داد که مستندات و نمونه های قابل استناد در چارچوب رویه عملی مراجع قضایی کشور، یا اساساً وجود نداشته و یا به صورت منظم و منتشر شده در دسترس پژوهشگران قرار نگرفته است. در نتیجه، بخش عمده تحلیل های ارائه شده در این حوزه ناگزیر بر پایه مبانی نظری و تفسیر مقررات قانونی استوار شده است. این شرایط خلأ آشکاری را در ثبت، نظام‌مندسازی و انتشار آرای قضایی مرتبط با آزادی اجتماع - همانند آزادی بیان - نمایان ساخته و ضرورت ایجاد سازوکارهای مؤثر برای مستندسازی و دسترسی عمومی به این گونه آرای قضایی را دوچندان می سازد.

#### ۶-۴- جایگاه آزادی اجتماع در اسناد بین المللی

##### ۶-۴-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اولین سند مهم در این راستا، اعلامیه جهانی حقوق بشر «مصوب ۱۹۴۸» است. که در ماده ۲۰ این حق را به شرح زیر به رسمیت شناخته است:

۱- هرکس حق دارد آزادانه مجامع و اجتماع های مسالمت آمیز را تشکیل دهد.

۲- هیچکس را نمی توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر در راستای به رسمیت شناختن این حق در بند ۴ ماده ۲۳ نیز یکی از مصادیق مهم و بارز این آزادی را به رسمیت شناخته به این شرح مورد

تاکید قرار می دهد: «هرکس حق دارد برای دفاع از منافع خود، با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها شرکت کند.» (جنگجوی خلیجان، کلهر، ۱۳۹۶: ۱۱۷) البته باید توجه کرد، بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، برگزاری تجمعات باید مسالمت آمیز باشد و در واقع دعوت به شورش و مواردی از این قبیل با روح حاکم بر اعلامیه سازگار نیست (حسنی، ۱۴۰۲: ۱۰).

۲-۴-۶- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و...

حق آزادی اجتماع در ماده ۲۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی «مصوب ۱۹۶۶» به طور مفصل به شرح زیر به رسمیت شناخته شده است:

۱- هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران دارد از جمله حق تشکیل سندیکا «اتحادیه های صنفی» و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.

۲- اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی تواند باشد مگر آن چه که به موجب قانون، مقرر گردیده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمن عمومی، نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی های دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع از آن نخواهد بود که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق تابع محدودیت های قانونی بشوند.

۳- هیچ یک از مقررات این ماده، دولت های طرف کنوانسیون ۱۹۴۸ سازمان بین المللی کار، درباره آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی را مجاز نمی نماید که به اتخاذ تدابیر قانون گذاری یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین های مقرر در آن کنوانسیون لطمه وارد آورند. چنانکه مشاهده می شود میثاق مذکور ضمن به رسمیت شناختن حق آزادی اجتماعات، مقرراتی هم درباره محدودیت های مجاز اعمال و اجرای این حق مقرر نموده است (مهرپور، ۱۳۸۳: ۶۶۷-۴۵۳).

۵-۶- محدودیت های قانونی اعمال آزادی اجتماع

طبق اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنها دو محدودیت برای استفاده از آزادی اجتماعات و راهپیمایی ها ملحوظ گردیده است (جنگجوی خلیجان، کلهر، ۱۳۹۶: ۱۱۲). اینک با تفصیل بیشتری به بررسی آنها می پردازیم:

الف) حمل سلاح

درست است که تظاهرات به منظور اعتراض برپا می شود، اما به هر حال باید به صورت مسالمت آمیز و آرام برگزار شود. این مهم موجب نمی شود به واسطه حمل سلاح جان و مال و آزادی سایر مردم و به طور کلی نظم عمومی در معرض خطر بالقوه قرار گیرد یا هدف تجمع تغییر کند. (وکیل، عسگری، ۱۳۹۱: ۱۲۸). بنابراین اجتماعات نباید زمینه ای برای اضرار به حقوق سایر افراد و منافع عمومی شود. برای اطمینان از اینکه اعتراضات،

چه جلسات و راهپیمائی‌ها، تا حد امکان مسالمت آمیز باشد، حمل سلاح ممنوع است. طبق ماده ۶ قانون مجازات، قاچاق اسلحه و مهمات، نگهداری غیرمجاز سلاح و مهمات و نگهداری و حمل سلاح گرم یا چاقو جرم محسوب میشود و گاهی مجازات‌هایی تا ده سال زندان دارد. طبیعی است که استفاده از سلاح در اماکن عمومی و در موقعیت‌هایی مانند راهپیمائی‌ها و جلسات، فضای اعتراض مدنی و مسالمت آمیز را مخدوش می‌کند و به جنگ خیابانی تبدیل می‌شود که در برخی موارد، با وجود سایر شرایط مندرج در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، ممکن است مشمول محاربه شود که مجازات‌های سنگینی دارد یا منجر به اقدام علیه امنیت ملی و جرایم مشابه شود. به همین ترتیب، ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی، شرکت در درگیری‌های خیابانی را جرم دانسته و ممنوع کرده است. (عباسی، شفق، ۱۴۰۲: ۱۷۸)

ب) اخلال به مبانی اسلام

درفرہنگ فارسی اخلال به معنای برہم زدن آمده و به صورت کامل تر همان برہم زدن نظم یا جریان طبیعی چیزی و ایجاد آشفتگی یا وقفه در آن است (صدری افشار و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۰)، و اما منظور از مبانی اسلام چیست، به بررسی نیاز دارد، چرا که باید محدوده دقیق آن مشخص شود تا سوء برداشت از آن به حداقل برسد. آیا منظور از مبانی اسلام صرفاً ضروریات دینی است یا اینکه شامل احکام فقهی نیز می‌شود. در صورت شمول بر احکام فقهی با توجه به اختلاف فقہا و مراجع در این زمینه تشخیص امر چگونه خواهد بود؟ از این رو برخی مبانی اسلام را عبارت از پایه‌ها و اصول توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد و فروع دین و ضروریات دین مانند نماز و روزه و مقدسات می‌دانند که اسلام با ابتدائی‌ها به آن واقعت و موضوعیت پیدامی‌کند. (هاشمی، ۱۴۰۲: ۴۲۴)

در عبارت مذکور صرف نظر از اصول دین و ضروریات دینی که معنای روشنی دارند، این ابهام وجود دارد که منظور از فروع دین و مقدسات چیست. عبارت فروع دین شامل افعال مکلفان و وظایف مسلمانان است که میان فقہا مورد جزئیات احکام مربوط به هرکدام از موارد ده گانه فروع دین اختلاف نظر وجود دارد، مگر آنکه منظور از فروع دین اصل عناوین ده گانه مندرج در کتاب‌های فقهی همچون نماز، روزه و زکات و غیره باشد نه جزئیات مربوط به هرکدام از آنها، البته این موارد ده گانه نیز که به عنوان فروع دین احصا شده‌اند، مورد اتفاق و اجماع همه مسلمانان نیست، اما مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی که بیان می‌دارد دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد تغییرناپذیر است، پس مبنا و ملاک نظر فقہای شیعه خواهد بود. (عباسی، شفق، ۱۴۰۲: ۱۷۹)

عنوان مقدسات نیز واژه‌ای است که تفاسیر مضیق و موسعی می‌توان از آن ارئه داد، به همین دلیل باید تبیین شود. در لغت به معنای هرچیز پاک و منزّه است (دهخدا، ۱۳۷۳:

۴۰۲) در اصطلاح به معنای هرچه اعم از اشخاص ، مکان ، کتب و... که در دین بی احترامی و اهانت به آن روا دانسته نشده و حرام است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۵۵۴) که ذیل مبانی اسلام معنا می شود. به طور کلی سه نظر در مورد مبانی اسلام وجود دارد: الف- اعتقادات مسلمانان یعنی اصول دین ب- اصول دین و احکام اسلامی و ج- اصول دین و احکام و اخلاقیات (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴: ۱۴)

خلاصه این که ، اخلال در مبانی اسلام به معنای انجام عملی یا بیان سخنی است که اعتقاد مردم را به ضروریات دینی تضعیف می کند .

#### ۶-۶- پیوند آزادی اجتماع با جایگاه شغلی کارکنان دولت

کارکنان دولت به عنوان اعضای ساختار رسمی و حاکمیتی کشور، تابع نظام انضباطی اداری خاصی هستند . مشارکت آنان در تجمعات اعتراضی یا سیاسی می تواند به اخلال در بی طرفی اداری یا بهره برداری سیاسی از موقعیت شغلی آنان منجر گردد. از این رو ، اگرچه آنان همچون سایر شهروندان حق برخورداری از آزادی اجتماع را دارند ، اما اجرای این حق با رعایت ضوابط حرفه ای و سازمانی مشروط شده است. برخی نظام های حقوقی ، همچون ایالات متحده یا فرانسه ، اصل آزادی تجمع کارکنان دولت را به رسمیت می شناسند ، اما شرط می گذارند که چنین مشارکت هایی نباید به عنوان نماینده دولت انجام پذیرد ، و نباید در ساعات اداری یا با استفا ده از منابع دولتی باشد. اما در نظام حقوقی ایران ، اگرچه قانون اساسی به صراحت محدودیتی برای کارکنان دولت در زمینه آزادی اجتماع قائل نشده ، اما در قوانین و آیین نامه های استخدامی ، رفتارهای سیاسی کارمندان تابع محدودیت هایی است . در نتیجه ، آزادی تجمع برای این گروه با ملاحظات نهادی و سیاسی مواجه است.

#### ۶-۷- آثار آزادی اجتماع بر کارآمدی نظام اداری

آزادی اجتماع ، به ویژه در شکل صنفی و مدنی آن ، ابزاری برای تقویت احساس تعلق سازمانی ، ارتقای ارتباط بین کارکنان و مدیریت ، و افزایش پاسخگویی اداری است. محروم سازی کارکنان دولت از این حق ، می تواند به بروز نارضایتی ، کاهش انگیزه و آسیب به سرمایه اجتماعی در درون دستگاه های اجرایی منجر شود. آزادی اجتماع نه تنها حق مدنی فرد ، بلکه بستری برای بیان دیدگاه های اقلیت و تقویت راه های غیر رسمی گفت و گو میان دولت و جامعه است (حسینی ، ۱۴۰۲: ۸) همچنین حتی اجتماع های سکوت آمیز نیز ، نوعی ابراز سیاسی محسوب می شوند و شناسایی حقوق بنیادین همچون آزادی بیان بدون به رسمیت شناختن آزادی اجتماع ، ناقص و ناتمام خواهد بود.

### نتیجه گیری

این پژوهش با یک رویکرد تحلیلی و توصیفی، به بررسی عمیق رهیافت های حقوقی حاکم بر آزادی های سیاسی کارکنان دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. یافته ها به وضوح نشان داد که نظام حقوقی ایران، همانند بسیاری از نظام های حقوقی مدرن، از یک سو حقوق بنیادین شهروندی کارکنان دولت را به رسمیت می شناسد، اما از سوی دیگر، اعمال این حقوق را به دلیل موقعیت خاص شغلی آنان، با محدودیت های قانونی و عملی مواجه می سازد. این محدودیت ها عمدتاً بر پایه ضرورت حفظ نظم اداری، رعایت مصلحت عمومی و پیروی از موازین اسلامی توجیه می شوند که در بسیاری از قوانین و مقررات استخدامی به صورت صریح یا ضمنی منعکس شده است. تحلیل صورت گرفته بر آزادی بیان، جایگاه آن در قانون اساسی و اسناد بین المللی حقوق بشر را به وضوح روشن ساخت. و مشخص گردید که قانون اساسی، این حق را تازمانی که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشند، مورد پذیرش قرار می دهد. با این حال، در عمل تفسیر و اجرای این اصول همواره با چالش هایی روبه رو بوده است. قوانین استخدامی، کارمندان را از ابراز عقاید سیاسی که مغایر با نظام حاکم باشد یا به نظم اداری آسیب رساند، باز می دارد. این محدودیت ها، گرچه با هدف حفظ بی طرفی و کارآمدی نهادهای دولتی وضع شده اند اما گاهی به ابهامات حقوقی منجر می شوند که ممکن است حقوق بنیادین کارکنان را تضعیف کند. در مورد آزادی اجتماع، نتایج تحقیق نشان داد که قوانین و مقررات استخدامی، رفتارهای سیاسی کارمندان را تحت شرایط خاصی محدود می کنند. این محدودیت ها از عضویت در برخی احزاب و تشکل های سیاسی تا مشارکت در تظاهرات و اجتماعات سیاسی را در بر می گیرد. با وجود اینکه قانون اساسی به صورت صریح محدودیت خاصی برای این گروه قائل نشده، اما سازوکارهای قانونی و آیین نامه ای در عمل، مرزهایی را برای فعالیت سیاسی آنان تعیین

کرده است. این امر نشان دهنده یک تعادل ظریف و گاه متزلزل بین حق مشارکت سیاسی و تعهد به وظایف اداری است. یکی از چالش‌های مهم و بنیادین در این حوزه، همانگونه که در پژوهش حاضر نیز به آن اشاره شد، فقدان رویه قضایی مدون و قابل استناد است. این وضعیت، تفسیر و تحلیل دقیق نحوه اجرای عملی قوانین و حقوق را دشوار می‌سازد. کارکنان دولت و دستگاه‌های قضایی، در مواجهه با پرونده‌های مرتبط با آزادی‌های سیاسی، اغلب فاقد منابع قضایی غنی و مستند هستند. این امر نه تنها به سردرگمی حقوقی منجر می‌شود بلکه از توسعه یک چارچوب حقوقی شفاف و منسجم در این زمینه جلوگیری می‌کند.

بر اساس نتایج حاصله از این پژوهش، برای بهبود وضعیت حقوقی و عملی آزادی‌های سیاسی کارکنان دولت، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- بازنگری در قوانین و مقررات: بازنگری و اصلاح برخی قوانین استخدامی و آیین‌نامه‌ها به منظور شفاف‌سازی و رفع ابهام در خصوص حدود آزادی‌های سیاسی کارکنان دولت ضروری است. این اصلاحات باید به گونه‌ای باشد که حقوق بنیادین شهروندی آنان را تضمین کرده و در عین حال، بی‌طرفی و کارآمدی نظام اداری را حفظ نماید.

- تدوین رویه قضایی: دستگاه قضایی باید اقدام به تدوین و انتشار نظام مند آرای قضایی مربوط به آزادی‌های سیاسی کارکنان دولت کند. این امر به ایجاد یک رویه قضایی یکپارچه و قابل پیش‌بینی منجر می‌شود که در حل اختلاف حقوقی موثر خواهد بود.

- ایجاد سازوکارهای حل اختلاف: ایجاد سازوکارهای شفاف و قابل دسترسی برای حل اختلافاتی که در زمینه اعمال آزادی‌های سیاسی کارکنان دولت به وجود می‌آید، می‌تواند به سرعت بخشیدن به حل و فصل این موارد کمک کند و از طولانی شدن فرآیندهای قضایی جلوگیری نماید.

در مجموع، هدف نهایی باید ایجاد یک نظام حقوقی باشد که در آن کارکنان دولت، در عین حال که به وظایف خود متعهد و تابع اصول اداری هستند، بتوانند به عنوان شهروندانی فعال و دارای حقوق سیاسی، در جامعه نقش آفرینی کنند.

فهرست منابع و مآخذ

الف-کتب

- امامی ، محمد ، استوارسنگری ، کوروش ، (۱۴۰۳) ، حقوق اداری ، تهران : انتشارات میزان ، چاپ سی ام ، جلد اول.
- استورات میل ، جان ، (۱۴۰۲) ، رساله درباره آزادی ، ترجمه محمود صناعی ، تهران : انتشارات علمی.
- ابوالحمد ، عبدالحمید ، (۱۳۸۸) ، حقوق اداری ایران ، تهران : انتشارات توس ، چاپ هشتم.
- جعفری تبریزی ، محمد تقی ، (۱۳۷۰) ، تحقیق در دو نظام حقوقی جهان بشر (از دیدگاه اسلام وغرب) و تطبیق آن دو بر یکدیگر ، چاپ اول ، تهران : انتشارات دفتر خدمات حقوق بین الملل.
- جهان بزرگی ، احمد ، (۱۳۹۳) ، آزادی سیاسی (از چشم انداز امام علی (ع)) ، کانون اندیشه جوان ، کانون اندیشه جوان (وابسته به موسسه کانون اندیشه جوان) ، تهران : انتشارات دفتر نشر معارف ، چاپ هفتم.
- حسینی دشتی ، سید مصطفی ، (۱۳۷۹) ، معارف و معاریف دایره المعارف جامع اسلامی ، تهران : انتشارات موسسه فرهنگی آرایه.
- دوفار، ژان ، (۱۴۰۰) ، آزادی های گروهی (آزادی تجمع،تظاهرات،انجمن و سندیکا) ، ترجمه علی اکبرگرگی ازندریانی ، تهران : انتشارات مجد ، چاپ دوم.
- دهخدا ، علی اکبر، (۱۳۷۲) ، لغت نامه دهخدا ، مصحح محمدمعین و جعفر شهیدی ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران.
- رنجبر، احمد ، (۱۴۰۱) ، آزادی آکادمیک ، تهران : انتشارات نشر نگاه معاصر ، چاپ یکم.
- صدری افشار، غلامحسین ، حکمی ، نسترن ، حکمی ، نسرين ، (۱۳۸۸) ، فرهنگ فارسی ، تهران : انتشارات فرهنگ معاصر.
- طباطبایی مومنی ، منوچهر، (۱۴۰۱) ، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران : انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ دهم.

- قاری سید فاطمی ، سید محمد ، (۱۴۰۰) ، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران : انتشارات نگاه معاصر ، چاپ هشتم ، دفتر اول.
- قاضی شریعت پناهی ، ابوالفضل ، (۱۳۹۵) ، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، تهران : انتشارات میزان ، چاپ چهاردهم
- کاتوزیان ، ناصر، (۱۴۰۳) ، گامی به سوی عدالت(آزادی اندیشه در قانون اساسی و قانون مطبوعات) ، تهران : انتشارات میزان ، چاپ چهارم.
- کاتوزیان ، ناصر، (۱۳۸۲) ، آزادی اندیشه و بیان ، ناشران گرایش ، دانشگاه تهران ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- مدنی ، سید جلال الدین ، (۱۴۰۰) ، کلیات حقوق اساسی ، تهران : انتشارات پایدار.
- مونتسکیو، (۱۴۰۰) ، روح القوانين ، ترجمه علی اکبر مهتدی ، انتشارات امیرکبیر.
- مهرپور، حسین ، (۱۳۸۳) ، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران : انتشارات اطلاعات.
- وکیل ، امیرساعد ، عسگری ، پویا ، (۱۳۹۱) ، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی ، جلد چهارم ، تهران : انتشارات مجد.
- وطن خواه ، حمید ، (۱۳۸۲) ، تاثیر مصوبات سازمان بین المللی کار بر حقوق کار ایران ، تهران : انتشارات مرکز نشر سمر، چاپ دوم.
- هاشمی ، سید محمد ، (۱۴۰۲) ، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ، تهران : انتشارات میزان ، چاپ ششم.
- هاشمی ، سید محمد ، (۱۴۰۲) ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، مجله اصول و مبانی کلی نظام ، جلد یک ، تهران : انتشارات میزان.

#### ب-مقالات

- بابایی ، ایرج ، آزادبخت ، شبیر ، (۱۴۰۳) ، مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت در حقوق ایران ، آمریکا و انگلیس، مجله حقوقی دادگستری ، دوره ۸۸ ، شماره ۱۲۵ ، صص ۳۹۷-۳۶۳.
- پناهی ، زهرا ، (۱۴۰۳) ، بحران فلسطین و مساله حق تعیین سرنوشت ، فصلنامه بحران پژوهشی جهان اسلام ، سال یازدهم ، شماره یک ، صص ۲۰۷-۱۸۷.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ، (۱۳۹۴) ، مبانی و حدود بیان و آزادی مطبوعات از دیدگاه فقه و حقوق ، فصلنامه حوزه و دانشگاه ، شماره ۳۴ ، صص ۱۴۵-۱۲۳.
- توسلی نائینی ، شیرانی ، (۱۳۹۴) ، حق تعیین سرنوشت در اسلام و حقوق بین الملل معاصر ، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب ، سال سوم ، شماره اول ، صص ۹۰-۶۷.

- جنگجوی خلجان ، فاطمه ، کلهر، حسینعلی ، (۱۳۹۶) ، تحلیل آزادی تجمعات و تظاهرات در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی ، نشریه : دو فصلنامه علمی حقوق بشر و شهروندی ، سال دوم ، شماره دوم (پیاپی ۴) ، صص ۱۳۰-۱۰۷.
- حسینی ، سید علی ، گروسی ، حسن ، (۱۳۹۹) ، حق دسترسی به اطلاعات بحران کرونا با تاکید بر نقش رسانه ملی ، دو فصلنامه علمی حقوق بشر و شهروندی ، سال پنجم ، شماره دوم (پیاپی ۱۰) ، صص ۱۹۶-۱۷۳.
- خسروی ، حسن ، رامین نیا ، مژگان ، حسینی ، محمدجواد ، (۱۴۰۰) ، آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا ، فصلنامه حقوق اداری ، سال هشتم ، شماره بیست و هفت ، صص ۹۷-۷۷.
- زمانی ، عباس ، رشادی ، حمید ، تقی پور، فائزه ، کورنگ بهشتی، سیامک ، (۱۴۰۰) ، پدیدار شناسی ابعاد آزادی بیان در رسانه های ایران از دیدگاه اساتید علوم ارتباطات ، رسانه و فرهنگ ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، سال یازدهم ، شماره اول ، صص ۱۵۸-۱۴۱.
- شکرالهی ، علی ، صفرزاده عربی ، محمدطاهر ، (۱۳۹۵) ، چالش های فراروی آزادی تجمعات و اعتراضات در جمهوری اسلامی ایران، نشریه : دو فصلنامه علمی حقوق بشر و شهروندی ، شماره دوم (پیاپی ۲) ، صص ۲۷۲-۲۴۷.
- عبداللهی ، محسن ، حسینی ، سید رضا ، (۱۴۰۲) ، تحقق حق تعیین سرنوشت در چهارچوب مسئولیت حمایت ، فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق عمومی ، دوره بیست و پنج ، شماره هشتاد ، صص ۱۷۰-۱۳۳ .
- عباسی ، بیژن ، شفقی ، محمد جواد ، (۱۴۰۲) ، محدودیت آزادی اجتماعات با تاکید بر قانون جدید نحوه فعالیت احزاب ، نشریه : فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ، دوره ۵۳ ، شماره ۱، صص ۱۸۲-۱۶۳.
- فرج زاده طارانی ، مژگان ، (۱۴۰۰) ، بررسی جایگاه حق آزادی بیان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به اصل مصلحت عمومی ، نشریه مطالعات حقوق ، دوره جدید ، شماره ۲۲ ، صص ۱۳۶-۱۰۵.
- قضائی علمداری ، امیرحسین ، (۱۴۰۰) ، رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات ، فصلنامه تمدن حقوقی ، دوره چهارم، شماره نهم ، صص ۱۹۸-۱۶۹.
- کرمی ، رضا ، قنبری ، محمد ، (۱۴۰۰) ، محدودیت حق آزادی بیان در منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ، نشریه : تحقیقات حقوقی بین المللی ، اطلاعات ، دوره چهاردهم ، صص ۲۲۰-۲۰۱.

- موسوی میرکلانی ، سیدطه ، امین حسینی ، سید صادق ، (۱۴۰۱) ، معیارهای محدودیت آزادی اجتماعات در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، نشریه مطالعات حقوق عمومی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز) ، دوره چهاردهم ، شماره یک ، صص ۳۷۰-۳۳۵.

- مهدی فر، محمد ، رفعت نژاد ، فائزه ، (۱۴۰۳) ، جایگاه آزادی اجتماعات و راهپیمائی ها در نظام حقوق اساسی ایران، نشریه فصلنامه علمی پژوهشی حقوق عمومی ، دوره ۲۶ ، شماره ۸۴ ، صص ۱۵۱-۱۸۸.

- یعقوبی ، محدثه ، جعفری ، علی ، سلمان زاده ، جعفر ، (۱۴۰۳) ، بررسی نقاط قوت و ضعف قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از دیدگاه حقوقدانان ، فصلنامه مجلس و راهبرد ، سال سی و یکم ، شماره یکصد و هفدهم ، صص ۵۲۸-۴۹۷.

#### ج- پایان نامه ها

- اصغری، هادی ، (۱۴۰۱) ، اصول حاکم بر استخدام عمومی در حقوق موضوعه ایران و انگلیس ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دادرسی اداری ، دانشگاه تبریز.

- آذری ، علی ، (۱۳۹۸) ، بررسی محدودیت های آزادی بیان در نظام بین المللی حقوق بشر و ارزیابی نظام حقوقی ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی ، دانشکده شهید بهشتی.

- برازنده قره شیران ، آرزو ، (۱۳۹۱) ، آزادی انجمن و حقوق صنفی در ایران و اسناد بین المللی ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، گرایش حقوق بین الملل ، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد تهران مرکزی ، دانشکده حقوق.

- جوادی ، مهتری ، (۱۳۹۸) ، بررسی تطبیقی آزادی بیان در حقوق ایران و انگلیس ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، حقوق عمومی ، مجتمع آموزش عالی قم.

- حیدری ارجلو، اکرم ، (۱۴۰۰) ، بررسی تطبیقی حق آزادی بیان در حقوق اسلام و حقوق بین الملل با تاکید بر نظام حقوقی ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، گرایش حقوق بین الملل ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

- حسنی ، فرزاد ، (۱۴۰۲) ، جایگاه حق تجمع و اعتراض در حقوق ایران در پرتو اسناد حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد ، موسسه آموزش عالی آذرآبادگان ، دانشکده علوم انسانی .

- رستمیان ، رضا ، (۱۳۹۷) ، آزادی بیان در اسلام و حقوق بین الملل ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، حقوق بین الملل ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود ، دانشکده علوم انسانی.

- عبدالهیان ، محمد ، (۱۳۹۴) ، جایگاه آزادی بیان در نظریات شورای نگهبان ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، حقوق عمومی ، دانشگاه شهید بهشتی ، دانشکده حقوق.

- هاشم زاده ، محسن ، (۱۴۰۱) ، بررسی آزادی اجتماعات و اعتراضات در نظام حقوقی ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس ، دانشکده علوم انسانی.

- هاشمی اوریمی ، فاطمه ، (۱۴۰۲) ، حق اعتراض در حقوق موضوعه ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نهاوند ، دانشکده علوم انسانی.

د-سایت های اینترنتی:

- غلامی مقدم ، زهرا ، (۱۳۸۶) ، بررسی آزادی بیان در قوانین ایران با تاکید بر آزادی مطبوعات ، روزنامه اعتماد ، شماره ۱۵۱۲.

ه-منابع انگلیسی

- Daudin, Paul (2015) , Freedom of Expressions & Public Order , United Nations Educational scientific & Cultural Organization.